...در احادیث احمد مختار و
...ج بخداوند ازلی حجت
...الرضوی خواهش نموند
...را موافق رای وفتوی
...یسر باشد انتخاب نمایم
...باشد وان را مسمی گردانید
...ند از الطاف الهی چنانکه

فصل در شرایط وجوب
...ادات سه چیز است
...م پس بر طفل و دیوانه
...ه تکلیفی نیست و بلوغ
...شد چنین اول احتلام
...است از مرد یا زن
...ت دوم روییدن

ذرهٔ بی مقدار و ناشر احادیث احمد مختار و
ائمهٔ اطهار محتاج بخداوند ازلی حبیب
علی الواعظ الخادم الرضوی خواهش نمودند
که مسایل واجبه را موافق رای و فتوی
عالیجناب معظم الیه باشد انتخاب نمایم
تا بر ایشان آسان باشد و آنرا مسمی گردانیدم
بواجب المسایل امید از الطاف الهی چنان
که مقبول گردد **فصل** در شرایط وجوب
نماز بلکه سایر عبادات سه چیز است
بلوغ و عقل و فهم پس بر طفل و دیوانه
و بیهوش و خوابیده تکلیفی نیست و بلوغ
دانسته میشود بچند چیز **اول** احتلام

۸۱ / ۲۱۵۴۶ کریم زاده

ذرهٔ بی مقدار و ناشر احادیث احمد مختار و
ائمهٔ اطهار محتاج بخداوند ازلی حبیب
علی الواعظ الخادم الرضوی خواهش نمودند
که مسایل واجبه را موافق رای و فتوی
عالیجناب معظم الیه باشد انتخاب نمایم
تا بر ایشان آسان باشد و آنرا مسمی گردانیدم
بواجب المسایل امید از الطاف الهی چنان
که مقبول گردد **فصل** در شرایط وجوب
نماز بلکه سایر عبادات سه چیز است
بلوغ و عقل و فهم پس بر طفل و دیوانه
و بیهوش و خوابیده تکلیفی نیست و بلوغ
دانسته میشود بچند چیز **اول** احتلام
که بیرون آمدن منی است از مرد یا زن
در خواب یا بیداری **دویم** روییدن

۲۴۲

موی درشت از پشت فرج چه در مرد و چه
در زن سیم تمام شدن سال پانزدهم
در مرد و سال نهم در زن بدانکه مقدمات
نماز هفت چیز است اول اصول دین که
خدا شناختن علم بیگانگی خدا داشتن
وصفات ثبوتی که قادر و عالم و حی است
و مرید و مدرک بوجود ابدی پس متکلم
صادق وصفات سلبی که نه مرکب بوده
و نه جسم و نه مرئی نه محل بی شریک و معانی
یعنی از آن خالی و بعد علم بعدالت خدا
داشتن و بعد علم باحوال بعثت انبیاء
خصوصا پیغمبر آخر الزمان محمد بن عبدالله
که ایشان واسطه اند میان خدا و خلق در
رسانیدن احکام از جانب خدا بخلایق

وبعد



و بعد علم بامامت دوازده امام که ایشان
نایبان پیغمبرند اول ایشان علی عمران
و آخر ایشان صاحب الزمان و بعد علم بمعاد
جسمانی و حساب روز قیامت که هر که
استحقاق بهشت دارد میرود به بهشت و
هر که مستحق جهنم است میرود بجهنم مجموع را
بدلیل عقل و نقل بداند نه بتقلید دوم
از مقدمات نماز پاک نمودن جامه و بدن
از نجاسات و آنها ده اند اول و دوم بول
و فضله از هر حیوانی که خون جهنده داشته
باشد و حرام گوشت باشد سیم منی از
هر حیوانی که حلال گوشت باشد یا حرام
گوشت بشرط آنکه خون جهنده داشته
باشد چهارم خون مثل منی پنجم میته

مطلقا اگر شرط انکه خون جهنده داشته باشد
ششم سگ و خوک غیر ابی و هر جزء از اینها
هفتم کافر اهل کتاب باشد اشهر و اظهر
نجاست است مانند یهودی و در غیر اهل
کتاب چه بت پرست باشد یا افتاب پرست
یا غیر اینها هشتم شراب و فقاع و فقاع
شرابی است که از جو میسازند نهم اب انگور
که بجوش بیاید و دو حصه یا زیاده بر طرف
نشود دهم عرق جنب از حرام و عرق
شتر نجاست خوار فصل در مطهرات است
اول اب است و اب بر دو قسم است مطلق
مثل ابهای متعارف قنات و چاه و مانند ان
و قسم دیگر مضاف مثل گلاب و در قسم
اول پاک و پاک کننده است و در قسم





دوم پاک است و پاک کننده نیست و اب مطلق
بر چند قسم است اول اب کر است و ان
بملاقات نجاست نجس نمیشود مگر در
صورتی که نجاست رنگ یا بوی یا طعم انرا
تغییر بدهد دوم اب باران و اب جاریست
و اینها بملاقاة نجاست نجس نمیشوند مگر
رنگ یا بوی یا طعم ان تغییر نماید سیم اب
چاه است و ان بملاقاة نجاست نجس نمیشود
بنا بر اقوی مگر بتغییر رنگ یا بوی یا طعم
چهارم اب کمتر از کر است و ان بملاقاة نجاست
نجس میشود پنجم اب حمام است و ان نجس
نمیشود بملاقاة نجاست هرگاه از برای ان
ماده باشد دوم از مطهرات اتش است
و ان پاک میکند عین نجاسترا هرگاه خاکستر

نماید سیم استحاله است مثل آنکه میته
خاک شود یا سگ نمک شود چهارم زمین است
وان پاک میکند براه رفتن تر کفش و ته
عصا پنجم انتقال است مثل خونی که
ببدن شپش مرود از بدن انسان ششم
انتقاص است مثل کم شدن اب انکور بعد از
جوشیدن هفتم اسلامست وان پاک می
کند بدن کافر را و نجاسات دیگر را از بدن
وجامه هشتم زوال عین است مثل آنکه
دهن حیوانی بجنس شد و از نظر غایب شد
وبعد حاضر شد و نجاست دیده نشد نهم
آفتابست وان پاک می کند نجاسات بی جرم را
مثل اب نجس هر گاه عین آفتاب در آن بتابد
دهم بتبعیت است مثل اطفال کفار هر گاه

مسلمانان



مسلمانان اسیر نمایند فصل در پاک نمودن
بدن را از بول وغایط اما مخرج بول پاک
نمودن آن بغیر آب بچیز دیگر جایز نیست و
احوط و اقوی آن است که باید دو مرتبه
شسته شود وبغیر آب مانند سنگ و
کلوخ سه مرتبه یا علاوه تا پاک شود و
اثر غایط برطرف شود بشرطیکه نجاست
از مخرج تعدی نکرده باشد فصل در
چیزهائی که وضو را می شکنند اول بول
دوم غایط سیم باد هر گاه هر یک از
مخرج معتاد بیرون ایند چهارم خوابی
که گوش نشنود وچشم نبیند پنجم استحاضه
قلیله سیم از مقدمات طهارتست
که وضو وغسل وتیمم باشد فصل

در وضوست و انچه واجبست دران اول نیت
یعنی وضو میسازم از برای مباح بودن نماز
واجب قربة الی الله دوم شستن روی
از رستنگاه موی سر تا اخر زنخ در طول و انچه
فرا گیرد انگشت شست و میانی را از جانب
عرض رو سیم شستن دست راست و
چپ از مرفق تا سر انگشتان چهارم مسح
بر نصف پیش سر است و احوط ان است که
بقدر سه انگشت باشد پنجم مسح بر پشت
پشت پاهاست و احوط ان است که تا ساق
برساند ششم واجب موالاة یعنی
پی در پی بعمل اوردن هفتم واجب است
ترتیب بنحوی که ذکر شد هشتم اب وضو
مضاف و غصبی و نجس نباشد فصل





در غسل است غسلهای واجب شش است
اول جنابت دوم مس میت ادمی سیم
غسل حیض چهارم و پنجم غسل نفاس و استحاضه
ششم غسل میت و جنابت محقق میشود
بیکی از دو چیز اول بیرون امدن منی
خواه در خواب و خواه در بیداری چه از مرد
و چه از زن و علامات منی در وقت اشتباه
جهنده گی است و شهوت و سستی بدن و
در بیمار شهوت کافیست و در زن جهنده گی
ظاهر نیست و بوی شکوفه خرما و بوی خمیر
میدهد دوم دخول ذکر است تا ختنه گاه
در سوراخ حیض ثابت بمرد و زن بلا خلاف
و بدانکه حرامست بر کسی که وضو ندارد نماز
و مس کتابت قران بنا بر احوط و اقوی و حرامست

بر جنب و حایض و نفسا اینها حرامست بی
وضو و علاوه روزه ماه رمضان و قضای
مس اسمی از اسمای الهی و انبیاء و ائمه و
ماندن در مساجد و گذاردن چیزی در اینها
و روضات ائمه ملحق بمساجد است علی
الاحوط بلکه اقوی و داخل شدن در مسجد
الحرام و مسجد پیغمبر و خواندن چهار سوره
که سجده واجب دارد و آنها الم سجده است
و حم سجده و النجم و اقرأ است فصل در
غسل مس میت است و مس میت آدمی آنست
که جزء بدن انسان زنده که روح دارد برسد
بجزئی از بدن مرده در وقتی که زنده بود و
روح داشت بعد از سرد شدن و پیش از غسل
و غسل میت سه است اول باب سدر دوم





بآب کافور سیم بآب خالص و غسل حیض و
نفاس واجب است مثل غسل جنابت لکن در
غسل جنابت وضو ندارد نه پیش از غسل و نه
بعد از غسل و در بقیه اغسال وضو دارد
اما بهتر آن است که پیش وضو بسازد چه در
غسل واجب و چه در غسل سنت مثل غسل
جمعه فصل در شرایط غسل است اول
نیت باین نحو که غسل جنابت بجا میآورم
از برای مباح بودن نماز واجب قربة الی الله
دوم شستن جمیع سر و بدن با ابتدا نمودن
بسر و گردن و بعد از آن جانب راست و بعد از آن
جانب چپ از بدن و اول مانع را باید ازاله
نماید و بهر جا که آب برسد برساند با اعانت
دست و افضل همین غسل ترتیبی است و

و بدل از غسل ارتماسی نیست و ان فرو رفتن
در ابست بیکدفعه عرفیه **فصل** در تیمم است
و واجب است در ان نیت و احوط اینست
که در خاطر بکذراند که تیمم می کنم بدل از
وضو یا غسل برای مباح بودن نماز واجب
قربة الی الله و باید نیت مقارن دست
زدن بر خاک باشد و بعد از ان کف دستها را
باهم بر خاک زند و بعد هر دو دست را
باهم بر مجموع پیشانی مسح نماید و بعد
بکف دست چپ تمام پشت دست
راست را از بند تا سر انکشتان مسح نماید
و بعد بکف دست راست تمام پشت دست
چپ را مسح نماید و مشهور در بدل غسل
تیمم دو ضربه است و در وضو یکضربه





و اقوی اکتفای بیکضربست در هر دو
و احوط اینست که در هر دو دو تیمم کند
یکی یکضربه و یکی دو ضربه و انچه بان
تیمم می کنند خاک باشد و اکر نیابد بر
غبار تیمم کند **چهارم** از مقدمات نماز
پوشیدن عورتین است و ان در مرد ذکر
و خصیتین و سوراخ دبر و احوط پوشانیدن
از ناف تا زانوهاست بلکه تا نصف ساقها
و عورت در زن جمیع بدن است حتی مو
مکر رو و هر دو کف دست و هر دو قدمها
و ساتر باید پاک باشد و غصبی و اجزای
حرام کوشت نباشد و از برای مردان
ابریشم خالص و طلا باف هم نباشد
**پنجم** از مقدمات نماز تحصیل مکانست

و باید غصبی نباشد بلکه مأذون باشد و
واجب است که جای پیشانی بان میرسد
در حال سجده پاک باشد از هر نجاستی
ششم از مقدمات نماز شناختن
قبله است وان خانه کعبه است ودر تعیین
قبله علم معتبر است چه بمشاهده باشد
وچه بغیر آن هفتم از مقدمات نماز
وقت است اول وقت نماز ظهر اول زوالست
وبعد وقت عصر است واخر وقت آن مقدار
بجا آوردن نماز ظهر و عصر است باقل واجب
که بغروب آفتاب مانده باشد و نماز ظهر
مقدم بر عصر است مگر در وقتی که بغروب
آفتاب بقدر نماز عصر مانده باشد که
نماز عصر مقدم بر ظهر است وبعد ظهر را قضا





می کند واول وقت نماز مغرب وقتی است
که سرخی جانب مشرق برطرف شود وبعد
وقت عشا است واخر وقت این دو نماز
بمقدار ادای هفت رکعت است تا بنصف
شب و وقت نماز صبح طلوع صادقست
وان سفیدیست عریض که ظاهر میشود
در تحت افق واخر وقت آن بمقدار یک رکعت
بطلوع آفتاب مانده فصل در اقسام
نمازهاست واجب هفت است پنج از انها
نمازهای یومیه است اول نماز جمعه
دوم نماز عید فطر سیم نماز عید
اضحی چهارم نماز طواف پنجم نماز
آیات ششم نماز نذر هفتم نماز عهد
هشتم نمازیکه بقسم واجب شده باشد

نهم نماز اجاره دهم نماز قضای پدر بر
پسر بزرگتر که در مرض موت فوت شده
باشد یازدهم نماز احتیاط دوازدهم
نماز قضا سیزدهم نماز میت چهاردهم
در اموریکه معتبر است در ماهیت نماز که اینها
مقارناتند هشت است اول قیام است
وان رکن است و شرط نیت و تکبیرة الاحرام
و همچنین قیام متصل برکوع دوم
نیت است و از رکن است و چنین نیت کند
که نماز ظهر مثلا بجا میاورم واجب قربة
الی الله سیم تکبیرة الاحرام است و آن
رکن است و صورة الله اکبر است چهارم
قرائت است و واجب است در نمازهای واجبی
خواندن سورهٔ حمد در رکعت اول و دویم

وان



وان رکن نیست و واجب است خواندن یک
سورهٔ تمام در رکعت اول نماز واجبی بعد از
سورهٔ حمد و واجب است بر مردان جهر حمد
و سوره در نماز صبح و در دو رکعت اول
نماز مغرب و اخفات در باقی پنجم رکوع است
وان رکن است در هر رکعت یک مرتبه
واجب است مگر در نماز آیات که در هر رکعتی
پنج رکوع واجبست و واجب است در ان ذکر
سبحان ربی العظیم و بحمده یا سه مرتبه
سبحان الله و واجب است راست شدن بعد از
ذکر و آرام گرفتن بعد از ان بقدری که عرفا
بگویند ساکن شد ششم سجود است
در هر رکعتی دو دفعه واجبست و واجب است
که پیشانی و شش عضو دیگر در حین سجود

بزمین گذارده شود وانها هردو کف دست و
هردو زانو وهردو انگشت بزرگ پاهاست
ومسمی در جمیع کافی است وباید پیشانی را
بر انچه سجود صحیح است بگذارد بی واسطه وان
زمین است وهرچه از زمین باشد بشرط انکه
انها از معدنی وخوردنی وپوشیدنی
شایع نباشد وواجبست ذکر در ان وان
سبحان ربی الاعلی وبحمده یا سه مرتبه
سبحان الله است وواجبست سر بر داشتن
ونشستن وارام گرفتن بعد از سجده اول
هفتم تشهد است وان واجب غیر رکنیست
در هر نماز یکبار در رکعت دویم بعد از سر بر
داشتن از سجده هاست ودر زیاده بر نماز دو
رکعتی بار دیگر بعد از سجده اخر است وان

اشهد



اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم
صل علی محمد وال محمد است هشتم سلام است
وان واجب غیر رکنست وبنا بر اقوی
جزء نماز است وبترک ان عمدا نماز باطل میشود
مثل باقی واجبات غیر رکنی وان السلام
علینا وعلی عباد الله الصالحین یا السلام
علیکم ورحمة الله وبرکاته هر کدام که قصد
خروج ووجوب کند ادا دیگری سنت خواهد
بود وواجبست در تشهد وسلام نشستن
وارام گرفتن فصل در قنوتست وان سنت
موکد است واحوط انست که ترک نکند
هرچند یک کلمه از دعا باشد مانند اللهم
اغفر لی فصل در تعقیبست واقل ان سه

مرتبه بعد از نماز الله اکبر گفتن است و بعد
افضل تسبیح حضرت فاطمه است و ثواب آن
بیشتر است از هزار رکعت نماز و طریق آن
سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه
الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله است
فصل در شک و سهو است بدانکه هرگاه کسی
شک کند در عدد دو رکعتی نماز واجب نماز
باطل می شود چه نماز صبح باشد و چه نماز
سفری و چه آنچه بنذر و شبه آن واجب شده
باشد و همچنین باطل است در نماز مغرب
و باطل است نماز بشک در رکعت اول نماز چهار
رکعتی و باطل است نماز گر نداند که چه قدر نماز
کرده است و هرگاه شک کند در دو رکعت آخر
نماز چهار رکعتی باشد پنج صورت ذکر می شود

اول



اول شک مابین دو و سه پیش از اکمال
سجدتین باطل و بعد از آن صحیح بنا را بر
سه می گذارد و یک رکعت دیگر میکند و
بعد از اتمام نماز احتیاط می کند بیک رکعت
نماز ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته
و احوط یک رکعت نماز ایستاده است دوم
شک میانه دو و چهار است پیش از اکمال
سجدتین باطل و بعد از آن بنا را بر چهار
میگذارد و نماز را تمام می کند و بعد احتیاط
میکند بدو رکعت نماز ایستاده سیم
شک میانه سه و چهار است در هر
حال که باشد صحیح است بنا بر چهار
میگذارد و نماز را تمام میکند و بعد احتیاط
میکند بدو رکعت نماز نشسته یا یکرکعت

نماز ایستاده واحوط دو رکعت نماز نشسته است
چهارم شک میان دو و سه و چهار است
پیش از اکمال سجدتین باطل و بعد از آن صحیح
بنا بر چهار میگذارد و بعد از اتمام نماز
احتیاط میکند بدو رکعت نماز نشسته و
دو رکعت هم نماز ایستاده پنجم شک
میانه چهار و پنج است سه صورت دارد
در حال قیام هرگاه شک کند میان چهار
و پنج مشهور آنست که بنا بر چهار می
گذارد و می نشیند و تشهد می خواند و سلام
میدهد و دو سجده سهو و یک رکعت نماز
ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته میکند
اگر داخل رکوع شده یا پیش از اکمال سجدتین
و این صورتها مشکلست و اقوی صحت است

۱۱۲۰



بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام نموده
و سجده سهو نماید و احوط با احتیاط شدید
اعاده نماز است بقصد قربت آنکه
بعد از سر برداشتن از سجده دویم باشد
بنا بر چهار گذارد و تشهد می خواند و سلام
میدهد و دو سجده سهو بر نیت وجوب
بجا میاورد و اما سهو مراد از سهو در این
مقام این است که این کس کاری را که باید
بکند نکرده یا بایست نکند کرده و هرگاه
سهو از غیر رکعت باشد پس بر سه قسم است
اول آن است که تدارک ندارد دوم آنست
که تدارک دارد سیم آن است که تدارک دارد
با سجده سهو اما اول کسی که فراموش کند
قرائت حمد و سوره را و جهر و اخفات را

یا ذکر رکوع را یا طمانینه را در سر برداشتن یا
ذکر در سجود را یا سجود بر هفت عضو را یا
طمانینه در سجده را یا سر برداشتن از آن را یا
طمانینه در سر برداشتن از آن برای تشهد
بدانکه کسی که بخاطرش بیاید که نخوانده است
حمد را و در سوره باشد می خواند حمد را و
اعاده میکند سوره را و کسی که بخاطرش بیاید
پیش از سجود که رکوع نکرده بر می خیزد و خم
و رکوع میکند و کسی که ترک کرده باشد
یک سجده را یا تشهد را و بخاطرش بیاید پیش
از رکوع می نشیند و بجا میاورد یک سجده
و تشهد را و بعد بر می خیزد و رکعت را از سر
می گیرد و کسی که بخاطرش بیاید که صلوات بر
محمد و آل را در تشهد نفرستاده بعد از سلام

قضا



قضا می کند مر دو را بدانکه کسی که بخاطرش
برسد بعد از رکوع که تسبیحه نخوانده یا ترک
کرده یک سجده را و بعد از رکوع بخاطرش
بیاید قضا می کند مر دو را با دو سجده سهو
برای هر یک اول کلام بیجا سهواً دوم سلام
بیجا سهواً سیم شک میان چهار و پنج و احوط
بلکه اقوی این است که در سجده سهو را باین
نحو بگوید که بِسمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَصَلَّی اللهُ
عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ یا بِسمِ اللهِ وَ بِاللهِ
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و اما وقت
سجده سهو پس بعد از نماز است اول آنچه
فراموش کرده مانند یک سجده یا تشهد
فراموش شده بعمل آورد و بعد نیت چنین
می کند که دو سجده سهو بجا می آورم بجهة

یک سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده
باشد میان چهار یا پنج مثلاً واجب قربةً الی الله
و مرد و سجده را مانند سجده نماز بعمل میآورد
و بعد تشهد خفیف می خواند که اشهد ان لا
اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله اللهم
صل علی محمد و آل محمد السلام
علیکم و رحمة الله و
برکاته

بجهد تحریری قلمی و محرر گردید
فی سنه ۱۲۴۵
م الحجه



نصف از شب کر گذشت
اگر در ثلث آخر شب باشد بهتر خواهد بود بر
می خیزد و وضو می سازد و مشغول نماز شب
میشود پس از نماز شب دو رکعت نماز میکند
در رکعت اول سوره قل یا ایها الکافرون
می خواند و در رکعت دویم بعد از حمد سوره
قل هو الله احد می خواند و هشت رکعت
نماز نافله بسر انجام آورد و بعد دو رکعت
شفع بجا می آورد در رکعت اول سوره
قل اعوذ برب الفلق می خواند و در رکعت
دویم سوره قل اعوذ برب الناس بعد از آن
یک رکعت وتر بعمل میآورد بعد از حمد سه
مرتبه سوره قل هو الله احد می خواند و بعد
قل اعوذ برب الفلق و بعد قل اعوذ برب



الناس و بعد از دعای دست هفتاد مرتبه
استغفر الله ربی و اتوب الیه و بعد جهل
و یک نفر مومن جزئی وجه مرد را طلب
امرزش میکند و بعد از ان میگوید هفت
مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو
الحی القیوم من جمیع ظلمی و جرمی و
اسرافی علی نفسی و اتوب الیه و بعد
سیصد مرتبه میگوید العفو العفو
و اگر وقت تنگ باشد
بسی مرتبه اکتفا می
کند والله
ولی التوفیق

17

| | |
|---|---|
| هلج | هلج |
| هلج | هلج |

| | |
|---|---|
| هلج | هلج |
| هلج | هلج |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ملج يا الله | هلج يا الله | هلج يا الله | هلج |
| ملج يا الله | ملج ملج | هلج | هلج |

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
الطیبین الطاهرین اما بعد بدانید که چون مدار
شریعت نبوی اثنا عشری در این عصر بر مسلم
کل عرب و عجم اهل اسلام بندگان علامة العلماء
نایب عصر فخر المجتهدین حاجی سید محمد باقر رضی الله
عنه و جعله و عنه ساکن دار السلطنة اصفهان
که از آن مسوده و رساله تحفة الابرار انور الافهام
چون مبسوط بود و فهم اکثر را خدا از مسائل
آن قصور داشت بنا علیه این خادم مؤمنین
محمد حسین طهرانی مجاور الحسین ع از واجبات





نماز بجهت سهولت بر مؤمنین اخذ نموده که اهل
واجب را بحافظه خود بسپارند و عمل خود را
بر آن قرار دهند زیاده انچه احتیاج شود از
تحفة الابرار قرار داده و ملتمس طلب مغفرت میباشد
فصل اول در مقارنات نماز است و در آن
هشت مبحث است مبحث اول در نیت است
که نیت جزء نماز است یا شرط مختار شرطیت
آن است و شرط صحت و حصول امتثال است
و آن فعل قلبی عبدی است که صدق الطاعة
و فرمان برداری او شود بجا آوردن آن عمل
و بجهة بندگی و اطاعت خداوند عالم پس اکمل
نیت این باشد که بنده عزیز و محبوب نزد
خدا میشود و محبوب و عزیز اهل آفاق است
نزد مخلوقین با رعبادت صحیح خواهد بود اما

هرگاه نعوذ بالله نیت که در این عمل معتبر شده
نزد خلق داعی بر اصل عمل بوده باشد در اینصورت
ریاست و سبب بطلان عبادت خواهد بود و هرگاه
محض شنعاً للعاده اینان بصورت نماز نماید در هر
دو صورت عبادات باطل خواهد بود خصوصاً در
صورت ریا بدانکه ریا عبارت از آن است که
داعی بر اقدام بعبادات قصد تقرب بمخلوقین
بوده باشد خواه بجهة اینکه او را خوب دانند یا
اینکه تعظیم او را منظور داشته باشند یا اینکه
او را چیز دهند یا اینکه او را اجابت نمایند و هکذا
در این معنی موجب بطلان عبادات میشود
خواه داعی بر عبادت محض این بوده باشد لاغیر
یا اینکه این را جزء داعی قرار دهد مثل اینکه
منظور هم اطاعت الهی جل شانه و هم تقرب

جستن



جستن بمخلوقین بوده باشد باطل است و هرگاه
قصد ریا در فعلی از افعال واجب نماز شود لهذا
نماز باطل میشود خواه اعاده نماید آن فعل را
بعد از نقض این نیت فاسده و عود بمقتضای
نیت خالصه سابق یا نه از جهة اخلال بجزء
مستلزم اخلال بکلست و اما هرگاه قصد ریا
بر فعلی از افعال مستحبه نماز باشد مثل قنوت
ظاهر اینست که باز موجب بطلان نماز میشود
پس بر فرض قصد ریا بعد از تحقق آن عود بمقتضای
حکم نیت سابقه کفایت نمیکند در حکم بصحة
و اما هرگاه قصد ریا نماید در اثنای نماز لیکن نه
در اجزای واجبه و نه در اجزای مستحبه مثل اینکه
قصد ریا نماید در قیامی که بعد از فراغ از قرائت
و قبل از میل کردن برکوع بوده باشد بعد از آن

رکوع نمود و منحنی شد بقصد رکوع بعد از عود
بمقتضای نیت سابق در اینصورت نماز صحیح است
اگر چه احتیاط در این مقتضی اعاده نماز است
بعد از اتمام و اما قصد قطع نماز در وقت نیت
قرار داده این بوده که در رکعت ثانیه نماز را قطع
خواهد نمود در اینصورت شبهه در بطلان نماز
نیست و اما نیت قطع در اثنای نماز اگر مباشر
فعلی از افعال واجبه نماز نشود ظاهر این است که
نماز باطل شود خواه اعاده آن فعل نماید بعد از
قطع آن نیت یا نه و اگر داخل فعلی از افعال
مستحبه نماز شود در این صورت نیز مقتضی
اتمام نماز است و اعاده آن نماز و هرگاه آن
نیت قطع نماز نمود و مباشر فعلی شد و نادم
شد و شروع بافعال نماز نمود ظاهر اینست که نماز

صحیح



صحیح بوده باشد اگر چه احتیاط مقتضی اعاده
نماز است بعد از اتمام اما قصد منافی از منافیات
شرعیه مثل حدث و تکلم و پشت بقبله و نحو
آنها خواه در حال نیت بوده باشد یا در اثنای
نماز پس اگر با علم بمنافات بوده باشد بفرق ما
بین قصد آنها و نیت قطع که مذکور شد نخواهد
بود و اگر با جهل باشد کلام بسیار است اما
بدانکه سابق بیان شد که نیت صلاة از جمله
شرایط است نه اجزای صلوة مثل سایر عبادات
مثل وضو و غسل و تیمم و خمس و زکوة و حج
چنانچه احدی نمیتوانند ادعا نمود که نیت ایضا
جزء است حال نیت در همه از جمله شرایط است
لیکن این شرایط رکنیه است که اخلال بان سهوا
و عمدا مفسد است اما دانسته شد که نیت که

معتبر است در تحصیل امتثال همان قصد بنماز
معین است بجهة اطاعت و فرمان بردارئ الله
تعالی شأنه همین قدر کفایت میکند در صحت
عمل خواه واجب باشد یا مندوب ادا باشد یا
قضا پس نیت واجب در واجب و مستحب در
مستحب کند و اگر خلاف نیت کند واجب را
مستحب و مستحب را واجب مثل نماز شب سنت را
واجب نیت کند و نماز ظهر واجب را سنت
نیت کند اول در صورت اشتباه ضرر ندارد
مناط همان اراده قلبیه است دویم هرگاه عامدا است
حرکت لغوی کرده منافی بصحت عمل نیست
سیم هرگاه جاهل بمسئله باشد در مستحب بر
اعتقاد وجوب نیت کند و در وجوب بر نیت
استحباب این شخص مبدع است و عبادت او

باطل



باطل است در هر یک از عبادات از غسل
و وضو و تیمم و غیره و هم چنین است در غسل
و سایر عبادات کلام در این مقام است
که اول نیت میکند که ایشان بنماز ظهر مثلاً
مینمایم بجهة اینکه خداوند عالم بجا آوردن
این را بر من واجب فرموده است بعد تکبیرة
الاحرام میگوید در اثنای وضو که در مقام ایشان
باجزاء امتثال بجهة نیت حاصل میشود
اول ایشان اجزاء واجبه قصد وجوب و در
اجزاء واجبه متعرض استحباب را اجزاء مستحبه
قصد مستحب نماید دویم آنکه مطلق متعرض
وجوب در اجزاء مستحبه نشود بلکه قصد
قربت مطلقه در جمیع نماید سیم آنست که
قصد وجوب در اجزاء واجبه نماید و اما

در اجزاء مستحبه پس اقتصار نماید بقربت مطلقه
چهارم عکس آن است یعنی قصد استحباب نماید
در اجزاء مستحبه واقتصار نماید در اجزاء واجبه
بقربت مطلقه ومعنی قربت در این مقام این است
که اتیان مینمایم باینعمل بجهة اینکه رضای خداوند
عالم عز شانه در اتیان بآن است عمل در جمیع
اقسام مذکوره محکوم بصحت است اشکالی
که هست آن است که نیت وجوب در اتیان آن
اصل عمل منافی با اشتمال آن باموری مستحبه بسیار است
جواب اینست که بجا آوردن نماز ظهر بر مکلف
واجبست واو مخیر است که نماز واجب را بجا
آورد با هشت چیز واجب بدون استحباب یا اینکه
این نماز را بجا آورد با اجزاء مستحبه کلاً وبعضاً
بلی نماز با اجزاء مستحبه افضل است از نمازیکه

با واجب



تنها واجب فقط باشد مثل نماز در وقت فضیلت
و مکانهای شریفه افضل است اشکال دیگر در
نیت این است که نماز مقوی از امور مرکب از
امور واجبه ومستحبه مردد است پس حکم باینکه
اتیان چنین نماز بر مصلی واجبست صحیح نیست
پس نیت واجب در غیر واجب کرده پس
نیت باین نحو صحیح نخواهد بود پس در صورتی
که مکلف قرار دهد مقدار معین از آداب واجزاء
مستحبه را منضم نماید با اجزاء واجبه مثل اعوذ
بالله وتکبیرات رکوع وسجود وزیاد کردن ذکر
آنها را الی آخر نماز نیت در نظر او معین خواهد
بود بلکه چنین قصد میکند که من اتیان بنماز
ظهر مینمایم بجهت تحصیل طاعت وفرمان برداری
خداوند عالم قربة الی الله وتکبیرة الاحرام

میگوید بعد بهمان قصد کرد است بجا میاورد
و نمی تواند از انچه از مستحبات منظور داشت کم
نماید یا زیاد نماید یا در قنوت دعای مخصوص
منظور بود واگذارد و غیر انرا بخواند ظاهر این است
که همه اینها بی عیب است پس هرگاه امتیاز میان
اجزاء واجبه نماز و اجزاء مستحبه ان نموده باشد
قصد وجوب یا استحباب هر دو نماید وجوب
نسبت باصل نماز و استحباب نسبت بفرد باین نحو
که ایتان نماز واجب می نمایم بجهة واجب بودن ان
و تخصیص این فرد کامل بجهة فضیلت و رجحان و استحباب
ان هر دو بجهة اطاعت و فرمان برداری قربة
الی الله نظیر این بجا اوردن نمازهای واجب در
بجماعت این نیز صحیح و بی عیب است بلکه اسلم است
و این در صورتیست که امتیاز مابین اجزاء واجبه





نماز و اجزاء مستحبه ان نموده باشد اما در صورت
عدم امتیاز مابین واجب و مستحب مشخص است که
این قسم منظور نمیشود پس میگوییم ایا واجب است
بر مکلف امتیاز مابین واجب و مستحب قبل از
شروع در نماز یا نه بر فرض وجوب ایا شرط صحة
نماز هم هست یا خیر بنا بر این میگوییم هرگاه کسی
ثبت بر فقیه معتمدی اتیان نماز نمود جمیع اقوال
و افعال و مهمات ان را از ان اخذ نمود و اعتقاد نمود
که ایتان نماز باین کیفیت مبرء ذمه است در
امتثال امر خداوند عالم و مطلقا امتیاز ما
بین امور واجبه و مستحبه ننمود در این نیت
اقتصار نمود بقربت مطلقه و قصد نمود که من
ایتان بنماز می نمایم بجهة اطاعت خداوند
عالم و نماز را بجا اورد بهمان نیت که از ان مجتهد

مطابق مشاهده نموده بود این نماز می کویم کفایت
در حصول امتثال از او می کند یا اینکه واجب
و مستحب ایمید اند بلی در این مقام لزوم امتیاز
ما بین احکام شک و سهو است اما حکم اجزاء
واجبه در صورت سهو این است که هر کاه جزئی از
نماز را فراموش کند تا داخل در رکن دیکر نشده بعد از آن
متذکر شود لازم است که بر کردد و آنرا بجا آورد
با ما بعد آن و نماز را تمام نماید قطع نماز در چنین
صورتی جایز نیست و اکر داخل در رکن شده آن
واجب غیر رکن است نماز صحیح است و اکر رکن
نماز است باطل و قطع نماز و از سر کرفتن آن
نماز لازم است و اکر آن فراموش شده جزء مستحب است
در جمیع احوال نماز عود بعد از کذشتن از محل
جایز نیست مثلا کسی بسم الله را فراموش کرد

بعد



بعد از اتمام حمد و سوره متذکر شد لازم است که
بر کردد و هر کاه کران واجبات بجا آورد با ما
بعد آنرا و اکر مستحب است حرام است عود با آن
مثل اعوذ بالله را فراموش کرد در رکعت اول
نماز در حمد یا اینکه قنوت را فراموش کرد و برکوع
رفت قبل از ذکرها و بعد از ذکر رکوع متذکر
۲ شد حرام است هر کاه بر کردد و قنوت را بجا آورد
و عود برکوع نماید نماز او باطل میشود لازم است
از سر کرفتن آن نماز بنا بر این امر این شخص مردد است
ما بین اجزاء واجب و مستحب در نماز دین باب المقدمه
و آنکهی از برای کسی که قطع و استمرار باشد که
در بعضی نماز او مبتلی خواهد شد اما مقدمه واجب

ظاهر این است که واجب است بنا بر مشهور ما بین فرضها،
مثل اینکه قبل از زوال کسی متمکن از آب وضو بسبب
وعالمست بر آنکه بعد از تحقق ظهر متمکن از آب
و خاک مباح بجهت تیمم نخواهد شد در این
صورت میگوییم ضبط آب بجهت طهارت بعد
زوال در حال لازم است مخفی نماند که این خبر
از این دقت و استدلال ظاهر میشود وجوب
شرعی است نه شرطی بنابراین هرگاه کسی اتیان
ما بین اجزاء واجبه و مستحبه نماز ننمود و اتیان بنماز
نمود و در نماز سهوی از او واقع شد ظاهر اینست
که نماز صحیح است و اعاده آن واجب نباشد
لیکن غالب این است که بعد از چند یوم غالب

اشخاص



اشخاص منفک از شک و سهو نیستند نظیر
این حدیث حماد است که بخدمت حضرت
امام جعفر صادق مشرف شد حضرت فرمودند
ای حماد آیا تو نماز خوب می نمایی عرض کرد
که اهتمام من در امر نماز این قدر است که در
حفظ دارم کتاب حریز را که در نماز تصنیف
نموده اند حضرت فرمودند برخیز نماز کن
حماد گفت ایستادم در حضور آن سرور
و شروع کردم بنماز بعد از آنکه برکوع و سجود
رفتم حضرت فرمودند یا حماد خوب نماز
نمیکنی بتعییر و توبیخ فرمودند که چه بسیار
قبیح است بمردان شما که شصت سال یا هفتاد
سال از عمر او میگذرد و یک نماز را با حدود آن
تمام بجا نیاورده اند حماد گفت بعد از آنکه یعنی

وعتاب وانزال حضرت شنیدم مذلت و خجالت
بسیاری بر من وارد شد عرض کردم خدا مرا
فدای تو کرداند نماز را تعلیم من فرما حضرت
بر خواستند و دو رکعت نماز فرمودند با اداب
و شرایط بسیار بعد از فراغ فرمودند ای حماد
مثل این نماز بعمل آور ای عزیز ببین چه قدر
حضرت متغیر شدند از نماز حماد با آن فضل
فرمودند یکنماز را با حدود آن تمام بجا نمی آورید
حال مردم می کردند عجب است کسی که نماز او
سبک است و تند بجا میآورند و نماز خود را
نمیتوانند با طمانینه و خواندن اذکار بجا آورد
از ماموم با امام و نماز را ضایع میسازند
پس در نماز باید با آداب و شرایط بجا آورد
تا خداوند عالم بر بیند در بند عبادت او هست

نظر



نظر رحمت فرماید والا جناب اشرف انبیاء دیدند
کسی نماز را بسرعت میکند فرمودند هر گاه باین
حال بمیرد بدین من نمرده است چه معنی دارد
که شما نماز را ضایع میسازید البته با داب و
وقار بجا آورید تا باعث اجابت و قبولی باشد مبحث
دوم در بیان معنی قربت است که متعارف
شده اخذ آن در نیت بدانکه دانسته شد
از مباحث سابقه که آنچه معتبر است در صحت
نماز همان قدر است که اشاره بر نیت معین
نموده قصد نماید که ایشان بان مینمایم بجهة
اطاعت و فرمان برداری خلاق عالم
جل شانه پس میگوئیم که مثل نماز کذا اصلی
فرض الظهر لوجوبه قربة الی الله اول بجهة بجا
آوردن نماز ظهر است و دویم بتحصیل قرب

بدرگاه احدیت جل شانه بوده باشد اما قرب
نزدیک شدن چنانست بچیزی و این یا در
زمانست مثل حکمتی عالم بانی قریب عصر امام
بوده و قرب مکانی مثل فلان ماموم قریب
امام ایستاده است و این قربها نسبت بخداوند
عالم جل شانه محال است میگوییم پس قرب
بخداوند عالم مراد ازان اینست که چون بنده
در نهایت نقص است بجهت صفات ذمیمه و
طغیان لیکن مامور است که رفع نقایص از
خود نماید و مزین بصفات حسنه شود پس
جاهل بجهت جهل در غایت دوریست به
صفات علم که متصف شد بمقدار ازاله جهل
و تحصیل علم نزدیک میشود بخلاف عالم پس
دو نماز نظر باینکه موجب تخلی از جهل و

قبح



قبح و نقص است و باعث اتصاف بصفات حسنه است
باین جهت اتیان بآن مینمایم چنانچه اشرف
پیغمبران ص می فرماید تخلقوا باخلاق الله
این قرب بذکر و وصال است هر قدر کسی
متذکر خداوند عالم است بهمان مقدار
نزدیک بخداست از صفات حسنه از علم
و عدالت و جود و عمل نیکو از نماز و غیرها
و هرچه در غفلت و جهل است یا موصوف
بصفات ذمیمه دور است از خلاق عالم پس
غافل بی بصر طالب قرب است اما بنده را
فخر المحققین فرموده که نماز ظهر که مرکب از
قیام و نیت و تکبیرة الاحرام و قرائت حمد
و سوره و رکوع و ذکر طمأنینه و رفع راس
و طمأنینه و سجود بر هفت عضو و ذکر و

وطمانینه و دفع راس و نشستن و طمانینه بعد از سجده
دویم در رکعت دویم با حمد و سوره در
قیام و در رکوع و سجود مثل اول و نشستن
و تشهد و طمانینه بعد از رکعه دویم و چهارم
و اسقاط سوره در دو رکعت اخر با رکوع و
سجود و تشهد و سلام در جمیع ادا واجب
قربة الی الله تعالی لیکن چنین نیت با این تفصیل
لزومی ندارد بلکه گاه هست که منجر بوسواس
میشود و اگر مراد این است که نیت با این نحو
صحیح است بلکه راجحست مضایقه از ان
نداریم مرگاه منجر بوسواس نشود بلکه همان
قصد نماز ظهر که مستلزم التفات اجمالی است
باجزاء ان کفایت میکند در صحت نماز اما
در سابق بیان شد که اول افعال نماز نیت است

مسامحه



مسامحه است بنا بر تحقیق اول افعال نماز
قیامست چون بنای کلام را اول بر نیت
گذارده شد میگوییم بحث سیم از افعال
نماز قیامست بدانکه قیام در اثنای نماز
بر چند قسم است اول قیام واجب و
رکنی است و ان قیامی است که در ضمن تکبیرة
الاحرام بوده باشد و همچنین قیام متصل
برکوع دوم قیام واجب غیر رکنی است مثل
قیام در ضمن قرائت حمد و سوره و قیام بعد از
دفع راس از رکوع سیم قیام مستحب است
مثل قیام در تکبیرات مستحبه و ادعیه و قنوت
و نحو اینها چهارم قیام مباح است و ان
قیامی است بعد از فراغ حمد و سوره اشکالی
در هیچ یک ازین اقسام نیست مکن قیام

متصل برکوع پس باید دانست که مراد از قیام
متصل برکوع قیامی است که ازان نماز گذار
متصل میشود برکوع شرعی و ثمره ان در
چند موضع ظاهر میشود اول ان است که
کسی خم شد بقصد سجود پیش از رسیدن
پیشانی بمحل سجده متذکر شد که رکوع
بعمل نیاورده است لازم است که راست بایستد
بعد ازان برکوع رفته ذکر را با طمانینه بجا آورد
و رفع راس سجود دارد دوم هرگاه کسی خم
شد از قیام بقصد رکوع متذکر شد که اخلال
بحمد یا سوره نموده اگر بحد رکوع شرعی رسیده
برگشتن بجهت تدارک فراموشی قرائت جایز
نیست زیرا که دو رکن زیاد میشود یکی قیام
متصل برکوع و دیگری رکوع و حد رکوع

شرعی



شرعی عبارت از خم شدن است که تواند برساند
دو دست را بر زانو و اگر پیش از رسیدن باین
حد است لازم است که برگردد بجهت تدارک
فراموش شده در اینصورت نیز عود بجهت
تدارک قنوت فراموش شده جایز بلکه
مستحب است سیم خم شدن بقصد رکوع
و پیش از رسیدن بحد رکوع شرعی غافل
از رکوع شد معتقد شد که رکوع را بعمل
آورده نشست بقصد سجده در ان وقت
متذکر شد که رکوع را بعمل نیاورده لازم است
برخیزد راست بایستد آن وقت خم شود
بقصد رکوع اما واجب است قیام بعنوان
استقلال و در حال قیام بچیزی تکیه نکند
و اگر بچیزی مثل دیوار یا غیره چسبیده

باشد که نقل بدن را بر آن بیندازد که اگر آن چیز را
بر دارند غفلةً این شخص بیفتد مضر بصحت
نماز نیست و اگر بیفتد در حال قدرت
واحتیاط جایز نیست و در حال اضطرار
جایز و هرگاه قیام بتکیه دادن ممکن باشد
جایز نیست بنشستن بدون تکیه و هرگاه
بخودی خود قایم در بعضی احوال نماز باشد و
بعضی را نتواند مگر بتکیه دادن باید بقدر
مقدور قیام را بجا آورد و آن قدر که امکان
دارد در قیام مراعاة نماید و بدل نماید
هم تیر پشت تر با امکان و واجب است
اعتماد بهر دو پا در حالت قیام که سنگینی بدن
بهر دو پا باشد و اگر بیکی باشد جایز نیست
واگر اندک کم و زیاد در سنگینی باک باشد

بعضی

29

مضر نخواهد بود اما عدول از قیام بقعود بهمان
مراعاة در اینجا نیز جایز است مبحث ذکر لزوم
اختلال قیام است بر قعود اگر چه منجر شود
بایماء بجهة رکوع و سجود مبحث در بیان
رکوع کسی است که نماز او نشسته باشد
بدانکه در نماز نشسته هرگاه ممکن باشد
از قیام که ایستاده داخل بر رکوع شود پس
لازم است که برخیزد و بایستد و از آنجا به
رکوع رود و اگر ممکن نباشد همان نشسته
برکوع میرود و این بدو قسم حاصل میشود
اول خم شود بجهة رکوع نشسته بحدی که
روی او محاذی شود با چیزی که در پیش
زانوی او هست دویم آنقدر خم شود که
پیشانی او محاذی موضع سجود او شود

پس مستحب اینست که دو ساق را بر زمین گذارد
و زانوها را بلند کند و هرگاه رکوع و سجود
ممکن نشود مگر بقدر خم شدن از جهت سجود
قدری خم بیشتر شود لازم است **مبحث** هرگاه
قدرت بر نشستن در نماز نداشته باشد
بر پهلوی راست می خوابد رو بقبله بهیئت
کسی که او را بقبر گذارند و اگر اینهم ممکن نشود
بپهلوی چپ بخوابد و هرگاه اینهم ممکن نباشد
بر پشت بخوابد و پاها را بسمت قبله دراز
نموده مانند حالت احتضار در رکوع و
سجود ایماء بسر نماید اگر ممکن نباشد ایما بچشم
احتیاط آن است که چشم را از جهت سجده بیشتر
بهم گذارد از چشم بهم گذاردن بجهت رکوع و
ذکر را در حال ایما نماید و گشادن چشم را در اینجا

قائم



قائم مقام رفع راس از رکوع و سجود نماید
مخفی نماند که ایما بجهت رکوع و سجود بایست
در هر موضعی که متمکن از رکوع و سجود نباشد
و در ایما بسر هرگاه ممکن باشد بلند کردن
مهر را در سجده بر پیشانی بهر قسم که باشد
ظاهر آنست که واجب بوده باشد و در
ایمای بچشم واجب نیست لیکن احوط است اما
در حالت از حالات نماز که قوت مرتبه
اعلا را بهم رسانند واجب است خود را
بان مرتبه برسانند اگرچه از حالت باعلاء
مرتبه قیام باشد کلام در اینست که از قیام
که بحالت پست تر میاید قرائت را بجا آورد
و از حالت پست که بلند میشود ترک قرائت
نماید اما در قیام نهایت ادب را بجا آورد و

و جسم این محل سجده وا دارد و قلب ملتفت این
شود بفهمد که این ایستادن در خدمت کیست
و مقصود از ایستادن بنماز امتثال و اطاعت خلاق
اسمان و زمین و عظمت و جلالت معبود را در
نظر دارد و بداند که قطعا غافل از او نیست
و عالمست بجمیع حرکات صلات از هر دو حیثی
و محیط است بهمه چشم بهم زدنها و خطورات
قلب و افکار و پنهانترا عالمست و بخواطر اورد
که عظمت و جلال معبود بمرتبه ایست که سلاطین
دوران بنده پست از بندگان خداوند عالم
میباشند پس سعی نما که ایستادن خدمت
چنین معبودی را بوجهی بعمل اورده باشی
که بادب اقتضاء نماید نه اینکه ایستاده باشی
باسم بندگی و قلب تو از معبود جل جلاله
غافل


غافل بوده باشد سبحان الله این حال ماها در
نماز که اشرف و اکمل و افضل طاعات بدنی است
امیدواری بخالق عالم بحرمت مقربین درگاه
احدیت آن است که توفیق خاص عطا فرماید
ما بیچارها را بمقتضای اعمال شنیعه ما مؤاخذه
نفرماید سیم از افعال نماز تکبیرة الاحرام است
یعنی الله اکبر که مکلف بان داخل نماز میشود
و نیت واجب اینکه تکبیرة الاحرام است اگر چه
قصد قربت مطلق نماید یا اینکه نیت کند که
این تکبیر تکبیریست که بان دخول در نماز متحقق
میشود کفایت می کند در امتثال و امیان
بدانکه تکبیرة الاحرام رکن نماز است پس
اخلال بان موجب اخلال و بطلان نماز است
خواه عمدا بوده باشد یا سهوا و ازین قبیل است

ادای حروف را از مخرج حروف نیکو ننمودن مثل ادای
همزه از مخرج عین یا ادای ها از مخرج خا و
هکذا در جمیع صور نماز باطل است و همچنین است
در زیاده و نقصان و در تغییر اسماء و امثال ان
همگی باطل است و در اشباع کردن حرفی از ان
زیاد شود نیز محل خلاف است مختار عدم جواز
ان است و باطل میشود نماز بسبب زیادتی
تکبیرة الاحرام خواه عمدًا باشد یا سهوًا بنا بر این
هرگاه اتیان بتکبیرة الاحرام نماید ثانیًا نماز
باطل میشود و هرگاه دفعه سیم بگوید نماز
صحیح است و چنانچه واجب است رعایت تمام
در تکبیرة الاحرام واجب است رعایت جمیع
واجبات نماز در ان مثل طهارت از حدث و
خبث و رو بقبله و استقرار و ستر عورت

و غیر ذلک



و غیر ذلک پس هرگاه اخلال بجزئی از هر یک
نماید نماز باطل خواهد بود و مستحب است
رفع یدین در حال تکبیرة الاحرام بلکه جمیع
تکبیرات نماز و اهم امور در این مقام دانستن
معنی و متذکر شدن ان است یعنی خداوند
عالم عز شانه اجل از ان است که وصف توانند
احاطه بساحت جلال و عظمت انجناب نماید
**چهارم** از واجبات نماز قرائت است اول بدانکه
وجوب قرائت در نماز بر دو قسم است واجب
عینی و واجب تخییری اما وجوب عینی
در هر دو رکعت از نمازهای دو رکعتی و سه
رکعتی و چهار رکعتی است و در رکعت سیم و چهارم
نماز عشا و ظهر و عصر واجب تخییری است
نظر باینکه مکلف مخیر است در اینها الحمد است

مابین قرائت حمد و تسبیحات اربع و در نمازهای
مستحب نیز قرائت حمد معین است پس در حالت
عمد نماز منعقد نمیشود مگر بخوانند سوره
مبارکه حمد اما نماز میت که خالی از حمد است
پس آن حقیقت نماز نیست بدانکه هرگاه
کسی خلل نماید بقرائت سوره حمد عامدا
در نماز نماز او باطل است قطعا هر نمازی باشد
و همچنین است هرگاه اخلال نماید بکلمه از آن
عمدا یا جهلا بلکه چنین است اگر اخلال
بحرفی از حروف نماید یا تبدیل حا بها و طا
بتا و عین بقاف و غین امثال اینها باطل
میشود پس نماز غالب اشخاص باطل میشود به
سبب آنکه تبدیل حرفی نمایند بحرف دیگر و
باعث این مساهله در امر دین است اکتفا بنماز

طفولیت



طفولیت از زنان یا ملای مکتبی میشود پس هم
امور در حق آباء نسبت باولاد است که در اوایل
تعلیم اطفال نزد کسی قرار دهند که رعایت این
نماید پس مخارج حروف را مناسب است که دانسته
باشد و این مختصر گنجایش ذکر آن ندارد رجوع
بتحفة الابرار نماید مبسوط ذکر شده و انجا واجبست
از انجا اخذ نماید اما سوره دویم واجب نیست
در رکعت آخر مغرب و دو رکعت آخر عشا
و ظهر و عصر است مابین حمد و تسبیحات اربعه
هر یک را اگر اختیار کرد واجب همان است
بعد از شروع بان عدول از آن بدیگری جایز
نیست و در تسبیحات اربعه سه مرتبه مخیر
گفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر همین قدر واجبست و سه مرتبه گفتن

سنت است واحوط بلکه اظهر تعیین اخفات است
اما هرگاه شروع بیکی از حمد یا تسبیحات اربعه نمود
عدول از آن بدیگری در اینصورت جایز نخواهد
بود اما هرگاه مقصود نماز گذار قبل از شروع
بنماز تسبیحات اربعه بود یا عادت بعنوان استمرار
قرار داده غفلةً شروع بحمد نمود در اثنا یا بعد از
فراغ تا رسیدن بحد مذکور شد پس لازم است
عدول و بان اکتفا نماید کلام این است که بعد از
عدول عود بهر یک خواهد می تواند نمود و هم
چنین است عکس در مسئله که قصد یا عادت او
حمد بود غفلةً شروع بر تسبیحات اربعه نموده
باید عدول کند و بان اکتفا نمیشود بدانکه
بسم الله الرحمن الرحیم جزء از سوره حمد بلکه
جزء جمیع سوره قرآن میباشد مگر سوره برائت

والم



والم نشرح و لایلاف تفصیل آن در تحفه مذکور است
مبحث در وجوب تعلم است بدانکه تکلیف
واجب است تعلم آن با تمکن از آن واجب عینی
فوریست هرگاه تاخیر نماید آثم خواهد بود
و در صورت تمکن از حفظ آن میتواند ترک آن نموده
قرائت را از روی نوشته بخواند محل خلاف است
مختار جواز آن است اگرچه احتیاط لازم است
اما در بیان سوره در نماز مستحبی همان قرائت
حمد است و انضمام سوره با حمد لازم نیست اگر
چه در حال اختیار بوده باشد مگر بعضی نماز
که بکیفیت مخصوصه وارد شده است مثل نماز
پیغمبر صلعم و باقی ائمه و امثال آن که بجا آوردن
آن موقوف بهمان نحو که وارد شده است
و با عدم آن امتثال آن نشده بلکه معتبر دد

خواندن سوره اکمل است بخلاف نمازهای واجبی
که بنا بر مختار ومشهور در حال اختیار وسعه
چنانچه لازم است قرائت حمد در آن واجب است
قرائت سوره بعد از آن پس لازم است
در هر رکعت از نماز دو رکعتی مثل نماز صبح
و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا در سفر
یا حضر بعد از فراغ از حمد یک سوره از سوره قرآن
تلاوت نماید و اخلال بآن جایز نیست مگر در
چند صورت اول مریض که قرائت سوره در
حق او واجب نیست پس جایز است بر مریض
اقتصار بخواندن حمد تنها نماید اگرچه مشقتی
که منشأ سقوط تکلیف است در خواندن
سوره در حق او متحقق نبوده باشد دوم
مستعجل مثل اینکه داخل نماز شد بخاطرش آمد که

با مومنی



با مومنی وعده کرده بود که بجهت انجام مهمی
نزد او رفته باشد در همان وقت و آن شخص مومن
منتظر است یا آنکه شروع در نماز نمود شخص
غریبی حاضر شد مطلب مهمی با او دارد در کمال
استعجال و بخواهند در چنین صورت ترک قرائت
سوره و اقتصار بحمد تنها او را جایز است یا اینکه
پیش از نماز بکسی وعده کرده که برود او حال هرگاه
ترک نماز کند در آن وقت و برود از جهت مشغول
شدن بحاجت او تشویش فوت نماز را در وقت
دارد یا اینکه همان وعده رفتن و مشغول بحا
حاجت باشد ظاهر این است که حکم بحمد تنها
و ترک سوره باشد در هر دو صورت و ظاهر این
حکم باب الی خضر است در ترک سوره در
حق مریض و در صورت استعجال نه آنکه جایز بوده

باشد بلکه خواندن سوره نیز جایز است چنانچه
ترک آن نیز جایز است اما در ضیق وقت که فوت
وسعت خواندن حمد و سوره باهم ندارد اولی
آن است که اگر کسی مستجمع جمیع شرایط تکلیف
نبود مگر در آخر وقت یعنی شرایط تکلیف در آن
وقت درک نمود مگر بقدری که یک رکعت را بدون
سوره کفایت مینماید پس لازم است اکتفا
بحمد تنها و ترک سوره نماید تا یک رکعت را در وقت
نماید لیکن در رکعت اولی اما در رکعت دویم پس
ترک سوره جایز نیست و اگر اول وقت شرایط
تکلیف بود بجهة وسعت وقت یا غفلة تأخیر
انداخت نیز چنین باشد و اگر وقت باقی کفایة
چهار رکعت جایز بوده باشد در اینوقت اما
هر گاه متعمدا تأخیر در نماز نموده تا بحد مذکور

لازم است



لازم است و افضل اکتفا بحمد و ترک سوره در حق او
جایز نبوده باشد در هیچ یک از رکعتین
بلکه نماز او در اینصوره قضاست علاوه بر
لازمست دیگر خایف است که او نیز مثل مستعجل
بر او جایز است ترک سوره مجملا در غیر صورة
مذکوره تلاوة سوره بعد از فراغ از قرائت
حمد لازمست در دو رکعت اول از نماز فریضه
موافق مشهور اما جایز نیست خواندن سوره
طولانی که وقت بسبب قرائت آن در دو دو
هم چنین جایز نیست سوره های که سجده واجب
دارد که آن الم تنزیل و سوره حم سجده و
والنجم و سوره اقرأ است در نمازهای واجب
موافق مشهور و اجماع پس حرامست و موجب
بطلان نماز نیز میشود اگر عامد و جاهل باشد

واگر سهواً باشد اقسام آن طولی دارد رجوع بأصل
کتاب نماید پس اگر متذکر شد لازمست که عدول
نماید در محل و سوره دیگر بخواند و نماز صحیح است
و گوش دادن این سجده واجب در نماز جایز
نیست بلکه موجب بطلان نماز است چنانچه
خواند یا گوش دارد این سجده را در اثنای نماز لزوم ایماست
بجهت سجده واحتیاط آن است که اتمام نماز بهمان
نحو نموده بعد از اتیان بسجده نماز را اعاده نماید
اما در نماز نافله جایز است خواندن سوره های
سجده و این سجده لیکن لازم میشود که بعد از
فراغ این سجده اتیان بسجده نماید و بعد نافله را
تمام کند و همچنین است در حق مستمع و حرام است
گفتن آمین بعد از فراغ از سوره مبارکه حمد
بلکه در جمیع حالات نماز مگر در قنوت اما مختار

عدم



عدم جواز جمع میان دو سوره است در نماز واجبی
و بعضی سوره دیگر یا همان سوره بلکه موجب
بطلان نماز می شود و هرگاه کسی سوره شروع
کرده و کلمه فراموش کرده و هرگاه چاره در بین نماز
نتواند نمود که کلمه فراموش شده را تلاوت نماید
لازم است که عدول بسوره دیگر نماید و همچنین
شروع بسوره نمود غفلتاً بدون معین نمودن
آن سوره اگرچه بعد از فراغ کلی سوره متذکر
شود لازمست عود نموده قرائت همان سوره یا
سوره دیگر را تعیین نموده بخواند و همچنین است
هرگاه شروع بسوره قبل از تجاوز از نصف
عدول نماید بسوره دیگر در صورتیکه عدول
از آن سوره جایز بوده باشد اینها منهی عنه
نیست و قرائت آیات قرآن در قنوت اشکال

درآن نیست مطلقاً مخفی نماند که عدم جواز مختص
نمازهای واجبی است اما نمازهای سنتی پس جواز
قرآن خواندن درآن محل تأمل نیست مطلب
در بیان جهر و اخفاتست و آن در نماز یومیه
بر سه قسم میشود لازم الجهر و لازم الاخفات و
جایز الامرین اما لزوم جهر در خواندن حمد و
سوره است در دو رکعت نماز صبح و دو رکعتی
اولی نماز مغرب و در دو رکعت اول نماز عشا
اما لزوم اخفات در چهار رکعت نماز ظهر و عصر است
و رکعت سیم مغرب و در دو رکعت اخر عشا اما
جواز امرین در غیر اینهاست مثل قنوت و سمع الله
لمن حمده و در بسم الله در نمازهای اخفاتی و
سایر اذکار در هر نمازی و در تکبیرة الاحرام
و ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام مکلف

مخیر



مخیرست مابین جهر و اخفات در اینها اما
جهر اقل مرتبه آن اینست که فرض شود که قرائت
بنحوی باشد که اگر شخصی در پهلوی او باشد
جوهر صدای او را در همه حروف بشنود و اخفات
ادنای آن این است که قاری خود صدا را بشنود
غیر او و بیشتر فوق آن اینست که آنکه در جنب
اوست بشنود بدون جوهر صدا اما بر مردان
واجبست جهر در قرائت در نماز مختص
اما زنان مخیرند در جهر نیز مابین جهر و اخفات
مگر در صورتیکه نامحرم بداند که صدای او را
بشنود در اینصورت اخفات در حق او معین است
اما در اخفات اخیر بر مرد واجبست بر زنان
نیز اخفات لازم است حتی در ظهر و عصر بسم الله را
نیز جهر بگوید لکن اگر جهر نمایند در ظهر و عصر

عمداً نمازشان باطل است بدانکه هرگاه کسی
اخلال بجهر و اخفات نماید در محل عامداً یا جاهلاً
یا ناسیاً اگر عامداً باشد نماز او باطل خواهد
بود قطعاً اگرچه در کلمه بوده باشد و اگر جاهل
بمسئله بوده باشد یا آنکه عالم بود و سهواً جهر
و اخفات یا بعکس نمود نماز صحیح است و اعاده
آن در محل ضرور نیست و هرگاه ماموم با امام
ملحق شد در رکعت دوم و در رکعت سیم که قرائت
بر او لازمست جهر واجب بل که جایز نیست و
هرگاه بعد از سلام امام با عدول بانفراد جهری
در نماز او باقی باشد در جهر و اخفات موافق
تکلیف عمل نماید مبحث در بیان موالاتست
بدانکه واجب موالاة این است در قرائت حمد
و سوره که صوالی یکدیگر تلاوت نماید یعنی در اثنای

قرائت



قرائت احداث حیزی که منافی صدق قرائت حمد
و سوره بوده باشد ننماید که عمداً موجب بطلان
قرائت است و اثم است کل بجهت عذری بوده باشد
و اگر ماحی صورت نماز است خواه عمداً باشد
یا سهواً و اگر ماحی صورت قرائت است عمداً و
نسیاناً نماز لازم و اگر سهواً باشد کیفیت همان
استیناف و قرائت نماید مبحث در عدول از
سوره بسوره دیگر است بدانکه هرگاه در نماز
واجبی شروع نمود بایست بسوره قل یا ایها
الکافرون یا بسوره قل هو الله احد قبل از
تجاوز از نصف جایز نیست عدول بسوره دیگر
مگر در نماز جمعه و در سوره دیگر بعد از تجاوز
از نصف عدول جایز نیست همان سوره که
شروع کرده بتمام برساند و قبل از تجاوز از نصف

جایز است عدول اما هر گاه غفلتاً بدون قصد
شروع نمود هر جا که متذکر شود عدول لازم است
و اکتفا به آن سوره نمیتوانند نمود اگر چه بعد از
فراغ از سوره باشد یا قبل از رد خواندن رکوع
عود بهمان سوره یا سوره دیگر مینماید با اعاده
بسم الله مگر آنکه بسم الله به نیت سوره گفته
باشد و سوره دیگر خوانده باشد هرگاه آن
سوره های کوچک باشد مانند سوره کوثر
و نصر و نحو اینها اعاده بسم الله جایز نیست و
موجب زیادتی بلکه موجب بطلان نماز میشود
و اگر این سوره های طویل باشد نظر بر عدم جایز
موالاة ما بین آیات سوره موجب اخلال به آن میشود
اعاده بسم الله ضرور است بلکه لازم است قبل
از بسم الله تعیین سوره نماید و شروع در بسم الله





نماید
اما سوره مبارکه انا انزلناه قایم مقام من
بلت از سور موظفه میشود حضرت صاحب
الامر فرموده عجب است چگونه قبول شود نماز
کسی که قرائت ننموده باشد در آن نماز سوره
انا انزلناه و نمونه‌ای از برای نماز نیست که در آن
قرائت نشود سوره مبارکه قل هو الله احد و
هر که سوره ویل لکل همزه را تلاوت کند در
نمازهای واجبی خود ثواب داده شود بقدر
دنیا و هر گاه کسی تولی کند سوره را که در آن
ثواب [illegible] و بخواند سوره قل هو الله احد سوره
انا انزلناه را فاین خواهد شد ثواب این و
سوره که قرائت نموده بعلاوه ثواب آن سوره را
که ترک نموده بجهة فضیلتی که در این دو سوره
در فرایض سوره انا انزلناه و سوره قل هو الله

برفع حکم خالی از اشکال نیست و اجتناب اقرب
بسبیل نجات است اما حرف مد سه تاست الف
ما قبل مفتوح و واو ساکن ما قبل مضموم و
یای ساکن ما قبل مکسور و سبب مد یا همزه است
یا سکون پس هر گاه حرف مد و سبب در یک
کلمه جمع شوند آن را مد متصل خوانند مثل جاء
و اولئک و سوء و مد منفصل آنست که حرف مد
در کلمه و سبب مد در کلمه دیگر باشد مثل انا انزلناه
و لا اله اما مد در اصطلاح قراء عبارت از کشیدن
صوت است بنهج مخصوص و این مد یا ذاتی حرف
یا عارضی اوست چنانچه اشاره شد اما ترتیل
از جمله ائمه علیهم السلام از آنست که اقتصار در قرائت
نماید یعنی قرائت را بسیار سریع ننماید و هم
چنین بسیار بطی ننماید بحدی که افتراق ما بین





کلمات حاصل شود و الا قرائت باین نحو موجب
بطلان عمل خواهد بود اما احکام وقف
و وصل باید وقف بحرکت و وصل بسکون
ننماید اول وقف بحرکت پس اجتناب از آن
لازم است و با عدم اجتناب نماز باطل خواهد
بود و هم در صورت وصل بحرکت لیکن در
موضعی که کلمه مفتتح بهمزه وصل بوده باشد
و اثبات آن همزه نماید مثل رب العالمین
الرحمن الرحیم بطلان اقرب است در صورت
وصل بسکون پس در این سه صورت قرائت
محکوم به بطلان میشود اما ادغام بمعنی
ادخال است بدانکه شش حرف از حروف
هجا بنا بر قرار داد قراء از آنست که هر گاه هر یک
از این شش حرف که عبارت از یرملون و م

احدی است چنانچه حضرت امام ضامن در سفر
خراسان در نمازهای فریضه در رکعت اول حمد و
انا انزلناه و در رکعت دویم حمد و قل هو الله احد را
می فرمودند مبحث در لزوم قرائت است
بدانکه در قرائت لازم همان قدر است که تلاوت
شود بنحوی که امتیاز مابین حروف متحقق شود
که هر گاه اهل لسان گوش دهند گویند این شخص
فلان حرف را تلفظ نمود و اگر چنین نباشد محکوم
ببطلان خواهد بود پس اخلال بحرفی از حروف
حمد و سوره و کل اذکار واجبه در نماز از تکبیرة
الاحرام و ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام از
هر یک که بوده باشد عمدا موجب بطلان نماز است
خواه ترک ان حرف بوده باشد یا تبدیل حرف
بحرفی دیگر و همچنین با ملاحظه شود بسبب اخلال

بتشدید



بتشدید اما مد منفصل ظاهر این است که حکم
بعدم لزوم رعایت ان در نماز و غیر نماز اشکالی
نداشته باشد مثل انا انزلناه اما مد متصل
پس رعایت مد متصل لازم خواهد بود مثل جاء و
اولئک اما مد سکون لازم مدغم پس رعایت ان
نیز لازم است مثل و لا الضالین و ما ادریه
اما فواتح سور ظاهر این است که رعایت ان
لازم بوده باشد مثل حم و یس و ص و همچنین است
مد ابدال مثل آلان اما مد عارض پس حکم به
لزوم ان مستدل کرد مثل عالمین یا انکه سکون
لازم کلمه یا سکون عارض در کلمه واحده
جمع شوند مثل و لا الضالین اما اخلال باعراب
و حرکات شکی در بطلان نماز در این صورت
نیست که بضم یا بکسر خوانده شود اما بضبط

ول و نر باشد که انرا حروف یرملون گویند واقع
شود بعد از حرف منون که دو زیر بوده و دو زبر
و دو پیش باشد یا بعد از نون ساکنه باید
ان حرف منون یا ان نون ساکنه را بلکه حرفی
که مقدم بر نون ساکنه است ادغام نمود
در هر یک از ان شش حرف که بوده باشد
در چهار حرف ان ادغام مع الغنه است و غنه
اوازی است که از دماغ خارج میشود ظاهرا
بی عیب است و لیکن با الاضافه بواو و یا علم
نیست هر گاه تا را اصلا ظاهر نکند بلکه تا را
ادغام در واو نماید بنحوی که واو مشدد ادا
شود مثل صل علی محمد و ال محمد و بخوانند
و از نون ساکن با الاضافه بواو و مثل من و را نهم
حکم بجواز ان مشکل است پس غنه را تعیین

کرده



کرده که چون حروف اربعه باینکه باید بنوعی
تلفظ شود که اثری از نون باقی نماند دویم
ادغام بلا غنه است که هر یک از حروف تنوین
و نون ساکنه متصل شود بلام یا را مثل غفور
رحیم و لم یکن له یا اشهد ان لا اله الا الله و مثال
ایهنا اما مستحبات قرائت بسیار است این قدر را
ضبط شود بلکه حکم برجحان قرائت در ایام
اربعه مشکل است چه جای انکه حکم بلزوم شود
خصوصا تبدیل حرف بحرف دیگر شود مبحث
در بیان معنی حمد است که بیان شود تفسیر
سوره مبارکه حمد و سوره توحید بنحو مختصری که
عامه ناس منتفع شوند بعون الله تعالی بسم الله
الرحمن الرحیم که از جمله ایات مبارکه این سوره
و سایر سور قران است یعنی استعانت می جویم

بنای کران لفظ جلاله است یعنی ابتدا می کنم در
قرائت حمد در حالتی که تبرک جوینده ام باسم
خداوند عالم که روزی دهنده مخلوقین است
در دار دنیا و بخشنده است در دار آخرت بشرط
ایمان الحمد لله یعنی فرد کامل ثنا مختص است
بان خداوند عالمست که جامع جمیع صفات
کمال و معری از جمیع نقایص است رب
العالمین و این صفت دارد مالک و خالق جمیع
عالمیان است الرحمن الرحیم روزی دهنده است
قاطبه ذی حیات را در دنیا و آمرزنده قاطبه
اهل ایمانست در عقبی مالک یوم الدین
یعنی مالک کل امور و صاحب اختیار در آنهاست
در روز دین که روز جزا بوده باشد ایاک نعبد
یعنی ای پروردگار عالم ترا عبادت میکنم و بس

وایاک



وایاک نستعین و از تو استعانت می جوییم
در توفیق عبادت و غیره اهدنا الصراط
المستقیم یعنی ثابت و محکم بدار ما را بر راه
راست که موصل بنجاة است در دنیا و بنما
ما را راه بهشت را در روز قیامت صراط
الذین انعمت علیهم یعنی راهی که انعام
فرموده بر انبیاء و مقربین و شهداء و
صالحین و سایر مؤمنین غیر المغضوب
علیهم که مغضوب علیهم مفسر است بیهود
چنانچه تفسیر شده و لا الضالین بنصاری
مبحث پنجم از افعال نماز رکوع است
و در آن پنج امر است واجب اول بدانکه
رکوع عبارتست از خم شدن از قیام بعد
قرائت که ممکن شود بسبب او از رسانیدن

دست بدو زانو از برای مستوی الخلقه و سایر
نیز این حکم را دارند و بدانکه رکوع واجبست
در هر رکعت یک مرتبه مگر نماز آیات که در
هر رکعتی پنج رکوع دارد و رکن است پس
هرگاه اخلال برکوع نماید عمداً یا جهلاً یا
سهواً در هر یک از نمازهای واجبی در هر
رکعتی که باشد موجب بطلان نماز است
هرگاه داخل در سجده اولی شده باشد و
هرگاه متذکر شد قبل از آنکه پیشانی بمحل
سجده برسد برخیزد و بایستد بعد از آن
برکوع برود چنانچه کیفیت در قیام متصل
برکوع مذکور شد اول رکوع شرعی خم
شدنست از برای مردان که برسد کف هر
دو دست او بر زانوهای او و هرگاه خم شود

بقدری



بقدری که باطن انگشتان بسر زانوهای او برسد
نیز کفایت میکند اما زنان اکتفا میتوانند
نمود بکمتر از آن مقدار که هرگاه خم شوند به
قدری که سر انگشتان ایشان بسر زانوهای او برسد
کفایت میکند و رجحان ندارد که بقدر مردان
خم شوند و الا بقدر مردان خم نیز صحیح است
لیکن رسیدن رؤس انگشتان بزانوهای او
برای مرد کفایت نمیکند و کیفیت رکوع در
نماز نشسته سابق بیان شد کلام این است
که آیا ایمای براس یا ایمای بعینین مثل رکوع است
در احکام که هرگاه اخلال کند ناسیاً بعد از
دخول در سجود نماز حکم بفساد است و
اعاده آن لازم هست یا خیر مسئله محل اشکال است
ایماء در اینمقام بدل رکوع است ظاهر اینست که

حکم ببطلان نماز نتوان نمود پس نماز صحیح خواهد
بود و در نصوص امر بایماء است و حدیث زراره
لا تعاد الصلوة الا من خمسة الطهور والوقت
والقبلة والرکوع والسجود بنا بر این احتیاط
اعاده نماز است بعد از اتمام دیگری باقی بودن
در رکوع با استقرار دوم طمانینه بعد از ذکر
واجب سیم ذکر است بدانکه ذکر واجب
در حالت اختیار یکمرتبه سبحان ربی العظیم
وبحمده یا سه مرتبه گفتن سبحان الله مکلف
مخیر است که هر یک را خواهد بگوید باید در حال
طمانینه استقرار باشد والا باطل است چهارم
رفع راس از رکوع است بنحویکه در قیام می ایستد
راست باید بعد از فراغ از ذکر واجب پنجم
طمانینه بعد از رفع راس از رکوع است سجود

درا



در استقرار بدن کافی است و اگر عمداً اخلال بآن
نماید باطل است پس گذاشتن دستها بر زانوها
در رکوع واجب نیست لیکن مستحب است و سمع الله
لمن حمده گفتن در حق امام و ماموم و منفرد
سنت است بنا بر مشهور و هرگاه سه دفعه
یا بیشتر ذکر رکوع و سجود را نماید واجب همان
ذکر اول است خواه قصد وجوب در آن بکند یا نه
مبحث بدانکه از افعال نماز سجود است و آن
عبارة از گذاشتن پیشانی است بر زمین شخصی
خدمت جناب رسول صلعم عرض کرد که مرا تعلیم
فرما عملی که محبوب خداوند عالم شوم بسبب
اتیان بان عمل و محشور گرداند مرا با شما آنحضرت
در جواب فرمودند که هرگاه میخواهی که محشور کند
ترا خداوند عالم با ما پس طول بده سجود را

بجهة خلاق عالم جل شانه و طول سجود از عادت
اوابین است و حضرت ابراهیم باین سبب مسمی
بخلیل شد راوی عرض کرد که گناهان من
بسیار است و اعمال حسنه من ضعیف و کمست
آنحضرت فرمودند بسیار سجود بکن که کثرت
سجود میبرد گناهان را چنانچه باد میبرد برگ
درختان را و اقرب احوال بنده بدرگاه خداوند
حالتی است که بنده در سجود باشد و سجده بجهة
خضوع باشد اگر بدون حاجت که بترک اخذ آن
مسرف شده مطلوب است در هر حالتی از نعمتی
در نعمت تازه و رفع بلا باشد اما بدانکه واجب است
در هر رکعتی از نمازهای واجب و سجده بوجوب
شرعی و بشرط صحت نمازهای مستحبی است و آن
اجزاء رکنیه است که اخلال به هر دو موجب

بطلانست



بطلان نماز است اگر چه نسیاناً باشد بعد از
دخول در رکن دیگر هرگاه از روی فراموشی
یک سجده یا دو سجده باشد بر می گردد و
سجده ها را اما بعد از آن بجا میاورد و اگر
سجده باشد قول ببطلان ضعیف است
مشهور آن است که نماز صحیح است و قضای آنرا
بعد از نماز بجا آورد اما در امور واجبه
در حال سجود و آن شش چیز است اول گذاردن
هفت عضو است بر زمین و آن پیشانی و
دو کف دستها و سر زانوها و دو انگشت
بزرگ پاها است مجملاً اکتفای بمسمی در اعضای
سبعه مذکوره محل تامل نیست دوم آنست
که وضع پیشانی نماید بچیزی که سجده بر آن
صحیح است پس جایز نیست سجده مگر بر زمین

یا چیزی که از زمین روییده باشد بشرط اینکه
ماکول یا ملبوس نبوده باشد پس واجبست
در حال سجود که پیشانی را بگذارد بچیزی که
سجده بران صحیح بوده باشد و افضل از همه
تربت منوره قبر مبارک حضرت ابی عبدالله
الحسین است که موجب قبول نماز میشود سیم
از واجبات سجود آن است که مساوی باشد
محل سجده با محل ایستادن یا بلندتر باشد
بقدر یک خشت بقدر چهار انگشت بهم
چسبیده و محل ایستادن و سایر اعضا نیز
با محل سجده بقدر یک خشت بلندتر نباشد
بنابر احوط و احوط مساوی بودن اعضای
سبعه است و هرگاه جبهه واقع شود بر
موضعی که بلندتر از یک خشت باشد اگر متمکن

از



از کشیدن جبهه بمحل سجود نباشد برداشتن
پیشانی لازم و اگر کشیدن جبهه ممکن باشد
مخیر است در برداشتن یا کشیدن پیشانی
لیکن کشیدن اولی است و هرگاه
بر چیزی واقع شود که سجده بر او
صحیح نباشد خواه بلندتر باشد یا مساوی
مخیر است که پیشانی را بکشاند بچیزی که
سجده بر او جایز است یا آنکه مهر را برساند
بمحل پیشانی اولی رسانیدن از است بر
پیشانی اما هرگاه عالم شود بان بعد از ذکر
واجب یا بعد از رفع راس چیزی بر او نیست
و محکوم بصحت است اما کسی که عاجز باشد از
خم شدن بجهة سجده بقدر معهود پس هر قدر
که ممکن است خم شود و محل سجده را بلند نماید

و پیشانی را بر محل سجود گذارد لازمست که
باقی عضوها را نیز گذارد و هرگاه خم شدن
بجهة سجود ممکن نباشد بنشیند و سجده را بایما
بسر نماید بجهة سجود و در حال ایما شش عضو
دیگر را بر زمین قرار دهد و هم چنین است ایما
بچشم و تحقیق ایما در مبحث قیام مذکور شد
چهارم طمانینه است در سجود بقدر ذکر
واجب همین قدر که صادقست که مکلف
ساکن است عرفا در آنحالة کفایت میکند پنجم
از واجبات سجود ذکر است و مکلف مخیر است
ما بین تسبیح کبری یعنی سبحان ربی الاعلی و
بحمده یا سه تسبیح صغری اعنی سبحان الله ششم
رفع راس از سجود واجبست یعنی سر برداشتن
از سجده اول خواه سجده اولی بوده باشد یا

دوم



دوم و بعد از سر برداشتن از سجده اولی
لازمست نشستن با طمانینه اگر چه قلیلی
بوده باشد بخلاف سجده ثانیه که بعد از
سر برداشتن نشستن لازم نیست و تمامیت
سجده برفع راس از آنست اما اگر بر پیشانی
مانعی بوده باشد مثل دمل یا جراحتی که
وضع جبهه ممکن نباشد مگر بحفر گودالی در
این صورت لازمست گود کردن تا اطراف دمل
مثلا واقع شود باطراف گودال و هرگاه
متمکن این وضع نباشد لازمست که سجده
بر جبین جانب راست نماید و با عذر آن بر
جانب چپ سجده نماید و هرگاه آنهم ممکن
نباشد سجده بر چانه نماید و از جمله مستحبات
بعد از برخواستن از جهة کفایت در ایستادن

بگوید اللهم ربی بحولك وقوتك اقوم واقعد
اما بجهت تلاوت قران یا سجده شکر در مجلس
مذکور است مبحث بدانکه از افعال نماز
تشهد است مختار اینست که قدر واجب از تشهد
اینست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم
صل علی محمد وال محمد پس واجبست نشستن
در تشهد بمقدار ذکر تشهد اما مردان در افزود
اکمل نشستن بر ورك چپ است که قدمین را
در جانب راست قرار بدهد و پشت پای
راست را بر شکم پای چپ بگذارد و دستها را
بر ران قریب سر زانو گذارد اما زنان اکمل
اقسام این است که بنشیند و کف پاها را بر زمین
گذارد و دو ساق و دو ران از زمین بلند





نماید مبحث بدانکه از افعال واجب نماز سلام است
بدانکه صیغه سلام دو است یکی السلام علینا
وعلی عباد الله الصالحین و دیگری السلام
علیکم ورحمة الله وبرکاته اجماع فقها منعقد است
بر انکه مرد و مدخلیت در خروج از نماز ندارند
باینمعنی که واجب بوده باشد بر مکلف که
اتیان بهر دو صیغه نموده باشد چنین نیست
بلکه اکتفا بیکی از این دو صیغه میتوان نمود
ظاهر این است که واجب بوده باشد اتیان
بمجموع ان اما در صیغه دوم ظاهر این است
که اکتفاء بالسلام علیکم توان نمود و انضمام
ورحمة الله وبرکاته اولی واحوط است مختار
اینست که سلام جزء اخر نماز است پس حاجت
بر نیت مجددی نخواهد بود بجهت خروج از نماز

پس در صورت اقتصار بهر یك از دو صیغه که بوده
باشد همان مخرج از نماز است خواه تعیین نماید
یا نه اما اتیان بهر دو همان اول مخرج است اگر چه
تعیین ننماید که ان مخرج باشد مجملا تعیین
نمودن اینکه این صیغه مخرج است لازم نیست
واین مشهور ما بین فقهاست مبحث در قنوت است
مختار استحباب قنوت است در جمیع نمازهای واجبی
و سنتی یومیه بوده باشد یا غیر یومیه پس
قنوت در همه نمازها مستحب خواهد بود مگر در
نماز عیدین که ظاهر اینست که قنوت در رکعتین
از نماز عیدین واجب بوده باشد در صورت
وجوب صلاة عیدین و حضرت صادق فرمودند
قنوت هر دعائی است که جاری شود بصفات
خداوند عالم بر زبان تو و عندانم دعائی را که





دعای معین باشد که تجاوز از ان نتوان نمود
پس هر دعائی که بوده باشد اکتفا میتوان نمود
لیکن مستحب است خواندن کلمات فرج در قنوت
و در حالت نزع تلقین کنند کلمات فرج را لا
اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی
العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب
الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم و کلمات فرج همین است و جایز است
تکلم و مناجات با قاضی الحاجات و طلب حاجت
و استدعای مطلب بهر زبان که بوده باشد
در قنوت و در جمیع احوال نماز جایز است
لیکن در قنوت اکتفا بغیر لسان عرب ننماید
پس هرگاه مثلا کلمات فرج را در قنوت خواند
بعد از ان بهر زبان از عجمی که مطالب خود را

بخواهد میتواند وجایز است ومحل قنوت در رکعت
دویمست قبل از رکوع وبعد از فراغ از خواندن
حمد وسوره پس هرگاه قنوت را فراموش کرد ورکوع
رفته بخاطر آورد بعد از رکوع آنرا بعد از رکوع بجا
آورد وجهر راجحست در قنوت مطلقا مگر در حق
ماموم که اخفاء در آن راجحست وخواندن
آیات قرانیه در قنوت اشکالی در جواز آن در
نظر حقیر نیست لیکن اکتفا در قنوت بغیر ادعیه
مشتمله بر عجز وانکسار وطلب عبادت کردن
نمیتوان نمود چنانچه در دعا بغیر لغت عربی
در قنوت گذشت اما دست برداشتن در
حالت قنوت سنت است تا محاذی صورت که
پشت دستها بجانب زمین باشد وکف دستها
بجانب آسمان لیکن در این حالت که از حالت

مثل



مثل گدایان دست را در مقام سؤال بلند
نموده به بیند که در نزد کیست سعی بنحوی
نماید که موجب اجابت عظمت حضرت
قادر ذو الجلال شود نه آنکه نعوذ بالله
موجب اعراض وانفعال خود شود اما بعد
از اتمام نشستن در محل نماز ومشغول به
تعقیب شدن مستحب است نماز دیگر چنین
شخصی نظر کند خداوند عالم واحادیث در
فضیلت تعقیب بسیار است وهیچ چیز
در طلب رزق انفع نیست از تعقیب بعد از
فراغ از نماز صبح تا طلوع آفتاب واز مسافرة
در بلاد یعنی مشغول شدن بعد از نماز بدعا
وذکر وقران باشد وبعضی از اعاظم فرموده اند
بعدم اعتبار نشستن در حال تعقیب اما

دعا طلبیدن چیزیست از خالق عالم مثل اللهم
اغفر لنا ولوالدینا وذکر آنست که موجب
حمد وثنای خداوند عالم باشد مثل الله اکبر
ولا اله الا الله وقران هرگاه از روی خوانده
شود ثوابش مضاعف می شود واگر از حفظ
نیز بخواند خوبست هرقدر بیشتر بخواند بهتر
اما اول تعقیب سه مرتبه گفتن الله اکبر است
بعد از فرایض وبعضی منع کرده اند در نوافل
وشیخ الطایفه در نهایه قایل به استحباب این
تکبیرات ثلاث عقیب مطلق نوافلست واین
قول در نظر بعید نیست ودیگر تسبیح حضرت
فاطمه ع که در عقب نماز فریضه هزار رکعت ودر
عقب نماز نافله پانصد رکعت است ودیگر آیة
الکرسی را بعد از هر نماز خواندن ضرری باو

نمیرساند



نمیرساند صاحب زهری مثل عقرب ومار و
نحو اینها وحضرت پیغمبر ص فرمودند هر کس
آیة الکرسی را بخواند در عقب نماز نوشته می
شود که مانعی نیست از دخول بهشت برای او مگر
مرگ وآیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بعضی
قایل شده وبعضی تا وهو العلی العظیم مثل ملا
محمد تقی مجلسی نیز مختار ومشهور همین است که
اول آیة الکرسی الله لا اله الا هو الحی القیوم آخر آن
هو العلی العظیم است لیکن هرگاه تا خالدون
بخواند افضل خواهد بود ومبحث در سجده
شکر است از مستحبات موکده است از حضرت
امام جعفر صادق ع مروی است که سجده
شکر واجبست بر هر مسلمانی وباعث تمامیت
وکمال نماز تو میشود وپروردگار تو جلت

عظمت از تو راضی و ملائکه از تو خوشنود می
شوند و خلایق عالم برفع حجاب ما بین ان بنده
و ملائکه می فرمایند و خطاب می شود که ای ملائکه
نظر کنید به بنده من که ادا نمود نمازی که بر او
واجب کرده بودم بعد از ان سجده شکر بعمل
آورد ای ملائکه چه چیز بجهت او مقرر شود گویند
رحمت تو و بهشت تو و کفایت امور مهمه
او خطاب میرسد که من شکر ان بنده میکنم
چنانچه او شکر من کرده و اقبال کنم بجانب او
بفضل و کرم خود و این اعظم الطاف خلاق
عالم است اما سجده دو طرف صورت را بخاک
گذاردن و دو دفعه ثانی باز بسجده رفتن و در
هر یک شکر و حمد الهی را نمودن اقلش اینست
که سه دفعه بگوید شکراً لله یا شکراً شکراً یا عفواً

عفواً



عفواً و حاجت خود را
طلب کردن

دعای قنوت نماز عید رمضان و نماز عید قربان

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم اهل الکبریاء والعظمة واهل
الجود والجبروت واهل العفو و
الرحمة واهل التقوی والمغفرة
اسئلک بحق هذا الیوم الذی جعلته
للمسلمین عیداً ولمحمد صلی الله
علیه و آله ذخراً وشرفاً وکرامة ومزیداً
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تدخلنی
فی کل خیر ادخلت فیه محمداً وآل محمد
وان تخرجنا من کل سوء اخرجت منه
محمداً وآل محمد صلواتک علیه وعلیهم

رساله نماز [illegible] از برای عباد سید [illegible] محمد المجتهد
حاجی سید باقر رشتی سلمه الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
اما بعد چنین گوید خادم مؤمنین محمد حسین الطهرانی
مجاور کربلا که چون اکثر ناس را ملاحظه کردم در نماز
یومیه خود امتیاز میان واجب و مستحب نکرده اند
که ای بسا واجبی را ترک می کنند و مستحب را
بجای آورند و نماز خود را باطل میکنند یا آنکه مسائل
نماز را نمیدانند و تقلید مجتهد نکرده اند و خیال
میکنند که سالها عمر خود را صرف نماید تا نماز واجب
خود را درست کند اول کیفیت دین دار را باید بفهمد
بعد بوجوبات متوجه شوند تا بدانند افضل از
نماز [illegible] بدانکه بسند صحیح از حضرت
امام



امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که فرمودند
آیا عملی هست که سؤال کرده شود از چیزی که افضل
از حرام و حلال بجهت نماز ایضاً از حضرت
سید انبیا صلی الله علیه و آله که فرمودند که هر چیزی
ستونی هست و ستون دین اسلام فقهااند و
حدیث [illegible] الفقهاء امناء رسول الله [illegible]
ایضاً حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند الفقهاء
ورثة الانبیاء و چنین احادیث در بارهٔ
انبیا و فقهاست که ستون دین میباشند
و کافه عباد مأمورند که از ایشان از
ایشان اخذ [illegible] را کرده باشند چنانچه
که فرموده اند علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل

اجمعين اللهم انا نسئلك خير ما سئلك
به عبادك الصالحون ونعوذ بك مما
استعاذ منه عبادك المخلصون و
بجه اوی رجندی ملا اقا بابا
قلمی و نوشته شد
فی ۱۲۰۳

55

پس باید اختیار کرد متابعت علمائی را که موفق
بصلاح و متقی باخلاق حسنه و عامل بعلم خود
باشند با اعتقاد شخص که دین و ایمان که از او اخذ
میشود موجب نجات از جهنم و دخول بهشت
کرده از جهت اینکه دین امر عظیم است و نمیتوان بحرف
هر کس اعتماد کرده و عمر را گذرانید. و در موت باید
خالی از دنیا رفت که منزل اول آن است و منزل
دویم که جهنم است که خلایق احدی نیست از پیغمبران
و صالحان و پادشاهان و سایرین خلایق
که از آنجا نگذرند هر کس تدارک جهنم را در دنیا
دیده در آنجا منزل او نیست و اکثر خلق در آنجا منزل
دارند و بعضی را در جمله منزل سیم را در این منزل

اول



اول که دنیاست تدارک دیده اند در جهنم توقف
نمیکنند و میروند بمنزل سیم که بهشت است میرسند پس
توشه که خداوند عالم عز و شانه فرموده برای
رسانیدن خود را بمنزل سیم از دنیا و تحصیل در
نزد ایشان علماست علیهم السلام [illegible] عالم فقیه
تحصیل کردن در نزد ایشان و عمل را با خلاص
بجا آوردن امر بواجبات و مستحبات و نهی
از محرمات و مکروهات است انشاء الله قدر
دلسوز و دوستی با خود قرار داده امروز را فردا
میندازد امر درست میشود و هر که غیر این باشد لشکر
شیاطین از جن و انس تو را بردن درست گرفته
رو بجهنم میبرند و خبر ندارد آن وقت فوت نزدیک

دنیاست و از امید اند و از آخرت غافلند طالب
نمیشوند و دین با دنیا دار جمع نمیشود و بجای صحبت
پنجاه شصت سال از عمر ایشان میکنند نقد دنیا
ایشان درست نشده و غلام و کنیز و اهل خود را
نیز منع میکنند از تحصیل مسائل نماز و در عذاب
بجهت ذخیره کرده اند پس باید ایشان کار کنند
خود را از طایفه تارک الصلوة یا کاهل الصلوة
محسوب نکرده اند و جز از عذاب امتی ندارد و الا
بفکر خود میافتند و حقیر در این خصوص بود و حالا نیز
انشاءالله [illegible] تمام که خلق بدانند چه عذاب از
برای این طایفه هست و در حدیث که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم میفرماید اشقی که ضایع کردند نماز را

ومتابعت



و متابعت نفس و شهوات کرده اند و بدانند
که ایشان را در دوزخ بوادی غی در آورند و غی
وادی است در دوزخ که بدان گرمی و هیبت است
که اگر حق سبحانه تعالی امر فرماید پس دوزخ را بگرمی
خود بخورد و در آن وادی ماری است که ششصد
ساله راه درازای آن مار است و سی و سه سال
راه پهنای آن مار است و از آن روز که خدای تعالی
او را آفریده دهن او [illegible] و نگشاید مگر بگوشت
بی‌نمازان و شراب خواران و فرموده اند که در روز
قیامت آنچه اول حساب کنند از خلق نماز است
هرگاه نماز قبول شود سایر اعمال قبول خواهد
شد و در حدیث دیگر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه
و آله که فرمودند که چیزی روز قیامت

دنیا منزل اخرت میاندارند و درمیروند تو میدانی
و علمای دنیا و اندکی اند آمدیم بسر طلب چیزی دانستی
که علمای حقیقی طایفه اند و کسانیکه سیره پیغمبر را
دارند و بفرموده ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم
رفتار میکنند هرگاه بگوئی نمیشناسم نفس فریب
میدهد تورا نیز اینکه تو ملا نیستی چه میدانی بنفس
بگو ای شقی من قالی باف و بنا و نقاشم و زرباف
و خیمه ساز و ترمه باف بینم چه نوع خوب و بد
از اینها تشخیص میدهم هرگاه خدا همین عذر را در بینش
بیاورم همین جواب را بشنوم چه جواب دارم از
وقت فبهت الذی کفروا ای برادر روز
تا به بینم در دنیا که غافلست و از جهنم نمیترسد دو

و بار



و بار دیگر امروز واجبست که امر دین خود را از
عالم فقیه باین صفات اخذ کنیم حال اینکه در هر عصری
خلقها مامورند بعالم حی رجوع کنند خواه اول
اخذ تکلیف باشد یا اینکه چنین عالمی را بدست اورده
تقلید کرده اند و امروز با مجتهد اعلا درجه قدس
نزول کرده نمیتوان سر خود را بطریقه باقی مانده باید
رجوع بمجتهد حی کرده او با عادلی که از
جانب او خبر دهد امر دین خود را درست کرده و
خلق را در تحصیل مشغولند و امر دین بنظر ایشان
گران و سنگین مینماید عبث است و غلط فهمیده اند
واجبات بسیار اسان است اموختن ان و
بجا اوردن ان خلق چنین نفس ایشان طالب

شعف بیرون آید از دوزخ عقربی که سر او با آسمان
هفتم باشد دم او در زمین هفتم باشد و دهان او از
مغرب تا مشرق است پس پرسند از او که را میجوئی
گوید پنج طایفه را اول بی نماز ها را دوم کسی که
زکوة نداده اند سیم شراب خواران را چهارم
ربا خواران را پنجم کسی که در دنیا در مساجد
سخن دنیای گفته باشند پس آن عقرب بر چیند
این پنج طایفه را از صحرای محشر چنانچه کبوتر دانه
را می چیند و روانه دوزخ میشود پس کسی که
نماز تقلید اینست مجتهد نیز نباشد نماز آن
درست نیست و داخل بی نمازان میباشد که
آن مار عقرب طالب ایشان است و ایضاً فرموده
که در جهنم عقربی است که نیش او مثل چنار است
پس هر کس



پس هر کس امر کرده بوده تقوی و عدالت بکنند
آن عقرب بجنان نیشی زند که چهل سال زهر او
او را عذاب کند و بروایتی تا هفتاد سال اثر زهر
او ان را عذاب کند و پیوسته با او در این کار است
پس اگر غرض بر حق رحم کن وادآب دین حق را
درست بجا آور با اهل و عیال حق و زیر دستان
حق عدالت کن و چون عبادات باید برای
مجتهد جامع شرایط باشد و الا باطلست بترس
از مار و عقرب و عذاب قبر و جهنم و قیامت
و برای مجتهد امور عبادات و معاملات را قرار
بده پس بنا بر این اصل واجبات نماز را بدال
بدون مستحبات از برای عالیجناب مقدس القاب

ظهر مثلاً است ادا واجب قربة الی الله سیم تکبیرة
الاحرام است بگوید الله اکبر چهارم قرائت حمد
و سوره است بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم
مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایا
ک نستعین اهدنا الصراط المستقیم
صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب
علیهم و لا الضالین بسم الله الرحمن الرحیم
قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم
یولد و لم یکن له کفوا احد بعد برکوع
برو و بقدری خم شو که کف دست بسر زانوها
برسد و بگوید نعم بگو سبحان ربی العظیم و
بحمده



و بحمده یا سه مرتبه سبحان الله بعد راست شو
بقدری که در وقت قرائت ایستاده بودی و آ
نگاه آرام بگیر و برو بسجده و دو شصت پاها را
و سر زانوها را و دو کف دستها را و پیشانی بر
زمین برسد اما پیشانی باید بچیزی برسد از زمین
باشد مثل خاک و سنگ یا چیزی که از زمین روئیده
باشد اما ماکول و ملبوس نباشد یعنی خوردنی
و پوشیدنی نباشد مثل چوب و پوست درخت
و برگ آن و کاغذ و بعد آرام بگیرد بگوید سبحان ر
بی الاعلی و بحمده یک مرتبه یا اینکه سه مرتبه
بگوید سبحان الله بعد سر بردار و بنشین و آرام
بگیر و بعد بسجده برو مثل اول هفت عضو را

اعلم العلمائی وافضل الفضلائی فخر المجتهدین آقای
آقا سید محمد باقر رشتی زاد الله عمره وعلمه وغیره
بر سبیل اختصار مرقوم داشتیم و چونکه در ایران با
الفعل بمرتبه ایشان مجتهدی نمیباشد در هر بلاد
هر کس که بتقلید آن فخر المجتهدین خواهد عمل نماید
بر حرف تقلید ایشان برقرار بوده دیگر نماز خود را
باین قسم بکند صحیح است بلکه هر کس چندی بهمین
واجبات فقط نماز خود را بجا آورد تا یقین
نماید که آنچه واجب است در نماز چه چیز است بعد
از آنکه واجب را فهمیداند بمستحبات بپردا
زند و این رساله را مسمی به نماز برهنه نمودم
تا بدانند واجب نماز است و مستحب بگذارد و اما به

مقدمات



مقدمات نماز از طهارت بدن و جامه و وضو
و غسل و تیمم و وقت و قبله و ستر عورتین و ا
جتناب از جلد و اجزای غیر ماکول اللحم و جامه
حریر بجهت مردان و جامه بجهت زنان که رنگ بدن
به نماید و غصبی نبودن آنها را که دانستی و آنچه
بجهت نماز واجب بود که بجا آوری پیش از نماز باید
از ابتدای و بعد از آن متوجه نماز شوی و ظاهراً
خلاف مشهور در مقدمات نقل نماید و هر کدام من
بعد معلوم میشود و در اواخر رساله خواهم کرد پس
بدانکه اذان و اقامه سنت است و اگر هر کدام بجا
نیاوری نماز صحیح است پس در نماز هشت چیز
واجب است اول قیام است یعنی راست بجهت
ایستادن دویم نیت است قصد کنی که این نماز

بر زمین بگذارد و مثل اول ذکر را بخواند و آرام
بگیرد بقدر آن ذکر بعد سر بردارد و برخیزد
راست بایستد و آرام بگیرد و شروع کند بخواندن
حمد و سوره مثل اول در جهر و اخفات مرد
باشد یا زن در چهار رکعتی نماز ظهر و نماز عصر
و یک رکعت آخر مغرب و دو رکعت آخر نماز عشا
واجب است اخفات یعنی آهسته خواندن بدون
جوهر صدا که اقلا گوش خودش بشنود
مرد را در دو رکعت اول نماز مغرب و دو رکعت
اول نماز عشا و در نماز صبح واجب است
بلند خواندن با جوهر صدا اما بر زنان جهر

خواندن



خواندن واجب نیست مختارند آهسته بخوانند
یا بلند بخوانند لیکن هرگاه نامحرم صدای ا
ون را بشنود واجب است آهسته بخوانند
پس بعد از خواندن حمد و سوره در رکعت
دویم قنوت خواندن سنت است هرگاه
قنوت را عمدا هم نخواند نماز صحیح است و در
قنوت بگو بهتر است اللّهم صلّ علی محمّد و آل
محمّد کافیست در همه نمازها بعد رکوع و سجود
مثل رکعت اول میرود و بعد از دو سجده‌ای
بنشیند و آرام میگیرد و میگوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله اللّهم صلّ علی محمد و آل

محمد و

تحصیل بکنی صحیح است پس عزیز من بل ...
و بدبختی میکنی نماز که ستون دین است از اول
اول درست تحصیل بکنی که هرگاه روزی که
پشیمان شوی و توبه کنی ضرر نکنی و باید
نماز تمام عمر خود را قضا کنی اینست که از
فتوی نزد مجتهد یا مقلد این مبالغی
ضرر دارد از دین و دنیا و هرگاه فوت او
رسیده باشد پناه بر خدا در قبر نماز مجسم می
شود و او را اذیت میکند تا روز قیامت
و هم چنین سایر عبادات از روزه و زکوة
و خمس و حج هرگاه اینها را نیز ندانی و ضایع
کرده باشی به بین چه اذیتها بتو میکنند پناه

بر خدا



بر خدا از این عملهای باطل و آن نماز را چند
چیز باطل میکند مبطلات اینها را نیز باید دانست
که نماز خود را از آنها حفظ باید کرد تا باطل نشود
اول آن هشت چیز که وضو را باطل میکند نماز را
نیز باطل میکند و آنها نیز بول و غایط و بادی
که از موضع معتاد بیرون آید و خواب و دیوانگی
و بیهوشی و مستی و استحاضه قلیله است
دویم پشت بقبله کردن سیم حرف زدن
عمدا چهارم خندیدن قهقهه یعنی با آواز است
پنجم گریه از برای امور دنیا است ششم فعل
کثیر است هفتم دست بسته نماز کردن در غیر محل
تقیه هشتم آمین گفتن است نهم خوردن و آشامیدن

و هر منفرد و راست میباستد و یکمرتبه میکوید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر و احوط آنست که سه دفعه بکوید
و هرگاه بخواند تا تسبیحات اربعه را هرکدام
بخواند نیز مختارست و این دو رکعت آخر را
باین نوع بجا آورد و بعد از اتمام سجده ثانی
رکعت چهارم می نشیند و تشهد را مثل اول میخواند
و در سلام مخیرست مابین کفتن السلام
علینا و علی عباد الله الصالحین یا کفتن
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و دو
صورت کفتن هر دو سلام است باین ترتیب
اولی است و عکس نیز جایز است و واجب در هر دو

صورت سلام اخر



صورت همان است که اول کفته و ثانی مستحب
و هرگاه بخواهد به یکی از دو سلام اکتفا
نماید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
از عکس است تمام شد نماز ظهر و نماز عصر و نماز
عشا نیز مثل همین است اما در نماز مغرب
بعد از رکعت سیم تشهد را میخواند و سلام
میدهد و نماز صبح بعد از تشهد اول
در رکعت دویم سلام میدهد پس نماز
ظهر و عصر و عشا در حضر چهار رکعت است
و نماز مغرب در سفر و در حضر سه رکعت
و نماز صبح همان دو رکعت است تا دانسته ای
عزیز ناجیات داری نماز را ادا و قضا باین نوع

است عمداً و هم رباشد و بدانکه نماز واجبی
را حرامست قطع کردن بی ول سبب مکر در
عذر شرعی و با عذر جایزست مثل طفلی که بچاه
بیفتد و امثال آن اما شکیات و سهو را
نیز سعی کن که بدانی بجهة آنکه باعث اکمال
نمازست که انشاء الله تعالی رسالی رد ارین
خواهی شد و بدانکه سایر چیزها که در این نماز
کفته میشود تمامی سنت است هرگاه کسی بکوید
بعد از آنکه واجب را خوب تمیز داد زیرا که
مخصوص و فرق مابین واجب و سنت کرد البته
بهترست و الا قرائت را درست کند و تمام
عمر بهمین طریق نماز کند چه ادا باشد و چه قضا چه



نماز صحیح است انشاء الله تعالی سعی کنید
در این دار فانی الناس به تمامیت نکو کرده
صلوة است عمل کردن تقلید نمودن سعی کنید
و داخل نماز کذارندگان محسوب شوید و از
شر نار و عقوبت نجات یابید بعون الله تعالی

شکیات و سهویات نماز

در بیان تعریف شک است بدانکه شک عبارتست
از تردد ذهن میان دو احتمال متقابل
بنحوی که رجحانی او برای هیچکدام نباشد مثل
دو کفه ترازو که عدل باشند و هیچکدام
نه چربد پس هرکدام که بچربد انرا رجحان میکویند
و هرکس ببیند اندازه الیماره موافق هم انرا
شک میکویند پس شکی که اتفاق میافتد یا در

شکیات و سهویات نماز

شرط نماز است یا در اجزای نماز است یا در خود
نماز است مبحث اول در شک و شروط
نماز است بدانکه شکی که در شرط نماز است مثل
شک در وضو یا غسل و یا تیمم هرگاه قبل
از نماز است لازم است انرا که شک کرده بجا آورد
هرگاه بعد از فراغ از نماز است ان شک اعتبار ندارد
و هرگاه در بین نماز است آن نماز را تمام کند
و احوط اعاده ان نماز است بعد از بجا آوردن
ان وضو یا غسل و تیمم یا هر کدام که باشد
مبحث دویم شک در خود نماز است اما
هرگاه شک در خود نماز کند مثل شک دارد
که نماز را کرده یا نه اگر در وقت باید آن نماز را





بجا آورد و اگر میداند که نماز ظهر را کرده لیکن شک
دارد که نماز عصر را کرده یا نه چنین وقت باقیست
واجب است ان نماز را بجا آورد و اگر شک در نماز
ظهر کند بعد از نماز عصر ظاهراً محل شک گذشته احوط
اعاده ظهر است یا عصر جهت ترتیب و هرگاه در
خارج وقت شک که نماز یکه وقت آن گذشته
کرده است یا نه مثل وز شک کند که نماز مغرب
و عشا را کرده است یا نه ظاهراً قضا لازم نباید
هرگاه بکند عیبی ندارد مبحث سیم شک در اجزا
نماز است و در ان دو مقصد است مقصد اول
شک در اجزائیست که غیر عدد رکعات بوده باشد
اما شک در اجزاء نماز که در غیر عدد رکعات باشد

مثل تکبیرة الاحرام، قرائت حمد و سوره، یا شک
در آیات و کلمات اینها بدانکه سنت در اجزای
مذکوره اگر قبل از دخول در فعل دیگر است لازم است
که آن بجا آورد مثل اینکه در حمد پیش از دخول در
سوره یا شک در سوره پیش از دخول در رکوع
یا شک در آیه و کلمه قبل از دخول در آیه و کلمه دیگر
باید اینها بجا آورد و هرگاه بعد از دخول در فعل
دیگر است اعتنائی بآن شک نمیکند بنا میگذارد
که آن مشکوک را بجا آورده و نماز را تمام میکند مثل
شک در تکبیرة الاحرام کرد بعد از دخول در قرائت
یا شک در قرائت بعد از دخول در رکوع یا شک
در آیه و کلمه بعد از دخول در آیه و کلمه دیگر

التفات



التفات بآن شک نمیکند و حکم در اجزای مستحبه نیز
بنظر یا از مستحب داخل واجب شود یا از مستحب
داخل مستحب دیگر شده باشد التفات بآن نمیکند
و بنا را بر صدور آن فعل میگذارد و نماز صحیح
صحیح است مثل در قنوت شک در قرائت نماید
یا الحمد در اعوذ بالله یا شک در تکبیرة الاحرام کند
یا در قنوت داخل در فقره شد و شک در فقره
پیش کرد و در جمیع این اقسام اعتنا بآن شک
نمیکند کلامیکه هست اینست که آیا دخول در
مقدمات جزئی که مشکوک فیه است مثل دخول
در جزء است پس هرگاه شک در رکوع نمود بعد از
نشستن بجهة سجود یا شک در سجود نمود بعد از آنکه
حرکت نمود بجهة ایستادن قبل از آنکه منتصب

شود و در قیام ظاهر اینست دخول در مقدمات
مانع از عود نباشد بنا بر این هرگاه میل نمود
بجهة ایستادن، و امیکه راست نایستاده است
هرگاه شک نمود که سجده را بعمل آورده است
یا نه عود نماید سجده را بجا آورد و همچنین است
در تشهد می نشیند و تشهد را بجا میاورد و در
رکوع طریقه احتیاط اینست که قبل از وصول
بسجود و هرگاه شک در رکوع کرد برگردد
و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام نماید بعد از
فراغ اعاده نماید آن نماز را و فرقی در این مقام
نیست مابین آنکه مشکوک فیه رکنی از ارکان نماز
بوده باشد یا نه بلی فرقی که هست مابین جزء رکنی

انست



اینست که در جائیکه محل نیست اینها بجا آورد بعد
مشخص شد که اینها بجا آورده بوده پس اگر
مشکوک فیه رکنی بوده باشد نماز صحیح و آن
زیادتی موجب بطلان نماز نمیشود و آنچه
مذکور شد مابین نماز واجبی و سنتی نیست
مقصد دویم حکم در شک در عدد
رکعات نماز است پس هرگاه شک در عدد
رکعات دو رکعتی بوده باشد مثل نماز
صبح و ظهر و عصر و عشا، در سفر و نماز جمعه
و نماز آیات و نماز طواف واجب یا در نماز
سه رکعتی مثل نماز مغرب باعث بطلان
نماز میشود پس باید نماز را از سر بگیرد لیکن تجدید

شک نماز باطل نمیشود بلکه تروّی یعنی
تأمل کند هرگاه احد طرفین مظنون شد
عمل بمقتضای مظنه نماید و هرگاه تأمل
نمود و ظنّ او متعلق باحد طرفین نشد در
اینصورت نیز باطلست و باید نماز را از
سر بگیرد و اگر شک در عدد رکعات نماز چهار
رکعتی بوده باشد پس اگر در دو رکعت اوّل
بوده باشد حکم آن حکم شک در نماز دو رکعتی
بوده باشد در باطل بودن و اگر شک در غیر
دو رکعت اولی است یعنی در دو رکعت اوّل
نماز ظهر و عصر و عشا شک در عدد رکعات
کند صور بسیار بنظر بندگان فخر المجتهدین



زاد الله عمره و عمله و عزه آمده لیکن آنچه بنظر
شریف ایشان صحیح است بداینند و آن قسم است
اوّل شک دو و سه در حال قیام و رکوع
و سجود باطلست و بعد از اکمال سجدتین
که آن سر برداشتن از سجده دوم است صحیح است
بعد از تأمل بنا را بر سه میگذارد و یک رکعت
دیگر میکند و نماز را سلام میدهد بعد یک رکعت
نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته احتیاط
مینماید و یک رکعت ایستاده افضل است بلکه
احوط است دوم شک میان سه و چهار بعد از
اکمال سجدتین صحیح است بنا را بر چهار میگذارد
و نماز را سلام میدهد و بعد از سلام دو رکعت

نماز احتیاط ایستاده میکند سیم شک میان
دو و سه و چهار بعد از اکمال سجدتین صحیح است
بنا را بر چهار میگذارد و سلام میدهد و
بعد دو رکعت نماز ایستاده اوّل میکند و بعد
دو رکعت نشسته میکند چهارم شک میان
سه و چهار در قیام و رکوع و سجود صحیح است
بنا را بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند بعد از
سلام یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت
نشسته بعمل میآورد و اختیار نماز نشسته در این
مقام افضل است پنجم شک میان سه و چهار و
پنج در قیام قبل رکوع شرعی نیز [illegible] صحیح است
و در رکوع و سجود باطل است پس قیام را

منهدم



منهدم ساخته می نشیند در اینوقت شک او
راجع میشود به سه و چهار بعد از اکمال سجدتین
نماز را سلام میدهد و دو رکعت نماز ایستاده
میکند ششم شک میان چهار و پنج بعد از
اکمال سجدتین بنا را بر چهار میگذارد و نماز را
سلام میدهد و بعد از آن دو سجده سهو
بجا میآورد و اما در حالت شک کند باید آن قیام
را منهدم ساخته می نشیند شک او راجع میشود
به سه و چهار بعد از سلام یک رکعت ایستاده یا دو
رکعت نشسته نماز احتیاط بعمل میآورد و بعد از
احتیاط دو سجده سهو بجا آورد و طریقه احتیاط
مقتضی اعاده است اما در رکوع و سجود هرگاه
این شک را نماید باطلست اما جمیع اقسام شک

که مذکور شد خواه شک مبطل بوده یا نه اوّل
باید که مکلّف تروّی یعنی تأمّل و تفکّر نماید شاید
متذکّر امری شود که از آن قطع یا مظنّه شود و تأمّل
و تفکّر در تحصیل مظنّه لازم است در جمیع مشکوک
که مذکور شد در محلّ پس اگر تفکّر و تأمّل نکرده بعد از
شک و قبل از تأمّل مباشر فعلی از افعال واجبه نماز
شد نماز باطل است و باید نماز را از سر گیرد اگرچه مظنّه
یا قطع دست دهد بعد از آن بدانکه آنچه مذکور شد
در حکم شک در صورتی است که مکلّف کثیر الشک نبوده
باشد و کثیر الشک کسی است که در عرف او را کثیر الشک
گویند از جهت کثرت شک کردن پس کثیر الشک
اعتنا بشک نمیکند و بنا بعدم ان مشکوک فیه
میگذارد مادامیکه کثیر الشک است آقا سید ...